

# مطالعات ادبیات معاصر ایران

## (فصلنامه علمی-تخصصی)

سال ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳



ناشر:

دانشگاه اصفهان

معاونت فرهنگی و اجتماعی

اداره کل امور فرهنگی

بها:

رایگان

### فهرست مقالات

(۱)

تحلیل نتایج سرخوردگی از کودتای ۲۸  
مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، در شعرهای  
مهدی اخوان ثالث

نویسندگان: داریوش طهماسبی جو، اسماعیل صادقی و جهانگیر صفری  
(صص. ۲۳-۴۱)

(۲)

تحلیلی روان‌شناسانه بر داستان کوتاه  
«داش آکل» صادق هدایت

نویسندگان: کبری فرجی آریناهی و پرستو کریمی  
(صص. ۴۳-۵۵)

ایمیل: [jcils.ui@gmail.com](mailto:jcils.ui@gmail.com)

تلفن: ۰۹۱۶۵۵۲۹۹۴۲





ای نام تو بہترین سرآغاز

بی نام تو، نامہ کی کنہم باز؟



زندگی خالی نیست:

مهربانی هست، سبب هست، ایمان هست.

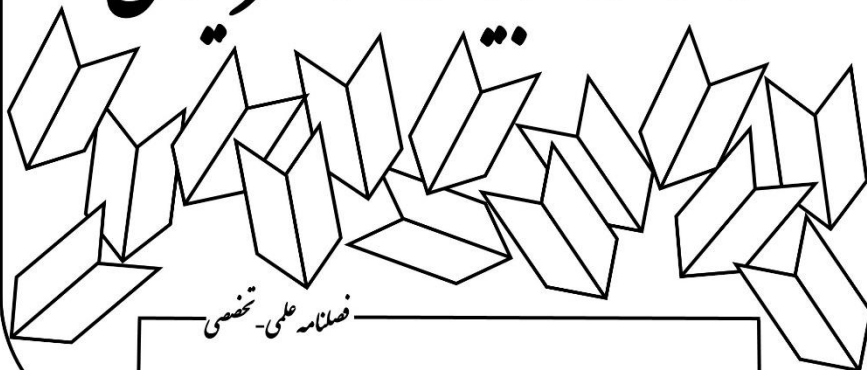
آری

تا شقایق هست، زندگی باید کرد.

سهراب پهری



# مطالعات ادبیات معاصر ایران



فصلنامه علمی - تخصصی



| مشخصات نشریه             |                                                                                      |
|--------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|
| عنوان نشریه (به فارسی)   | مطالعات ادبیات معاصر ایران                                                           |
| عنوان نشریه (به انگلیسی) | Contemporary Iranian literature studies                                              |
| نوع اعتبار               | علمی- تخصصی (دانشجویی)/ زیر نظر معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه اصفهان               |
| شماره مجوز               | ج/۱۴۰۲/۲۱۶۲۷                                                                         |
| تاریخ مجوز               | ۱۴۰۲/۱۰/۱۱                                                                           |
| ترتیب انتشار             | فصلنامه                                                                              |
| زبان نشریه               | فارسی و انگلیسی (چکیده)                                                              |
| نوع انتشار               | چاپی و الکترونیکی                                                                    |
| نوع داوری                | دوسو ناشناس                                                                          |
| پشتیبان مادی و معنوی     | اداره کل امور فرهنگی دانشگاه اصفهان                                                  |
| نشانی نشریه              | اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، طبقه زیرزمین |
| رایانامه نشریه           | jcils.ui@gmail.com                                                                   |
| تلفن نشریه               | ۰۹۱۶۵۵۲۹۹۴۲                                                                          |
| بها                      | رایگان                                                                               |

| جارت سازمانی نشریه                             |                    |                                                                                       |
|------------------------------------------------|--------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|
| سمت                                            | نام و نام خانوادگی | مرتبه علمی و رایانامه                                                                 |
| صاحب امتیاز                                    | فرشاد اسکندری شرفی | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>f.eskandarisharafi@ltr.ui.ac.ir   |
| مدیر مسئول                                     | فرشاد اسکندری شرفی | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>f.eskandarisharafi@ltr.ui.ac.ir   |
| سردبیر                                         | فرشاد اسکندری شرفی | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>f.eskandarisharafi@ltr.ui.ac.ir   |
| مدیر هنری<br>(طراح جلد و نشان‌واره و صفحه‌آرا) | فرشاد اسکندری شرفی | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>f.eskandarisharafi@ltr.ui.ac.ir   |
| مدیران اجرایی                                  | زهراسادات میرزایی  | دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>mirzayizahra551@gmail.com |
|                                                | نازنین جعفری       | دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>nazanin.jafari.ui01@gmail.com  |
| ویراستار فارسی                                 | فرشاد اسکندری شرفی | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>f.eskandarisharafi@ltr.ui.ac.ir   |
| مترجم و ویراستار انگلیسی                       | مهدی صادقی درویشی  | دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه ایلام<br>mehdisadeghidarvishi@gmail.com      |
| داور(ان)                                       | فرشاد اسکندری شرفی | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان<br>f.eskandarisharafi@ltr.ui.ac.ir   |

| اعضای هیأت تحریریه نشریه       |                                                            |                                 |
|--------------------------------|------------------------------------------------------------|---------------------------------|
| نام و نام خانوادگی             | مرتبه علمی                                                 | رایانامه                        |
| دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد | استاد گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان           | bagheri@ltr.ui.ac.ir            |
| دکتر محمود براتی خوانساری      | استاد گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان           | mbk@ltr.ui.ac.ir                |
| دکتر حسین آقا حسینی            | استاد گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان           | h.aghahosaini@ltr.ui.ac.ir      |
| دکتر اسحاق طغیانی اسفرجانی     | استاد گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان           | e.toghyani@ltr.ui.ac.ir         |
| دکتر محمدرضا نصر اصفهانی       | دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان         | m.nasr@ltr.ui.ac.ir             |
| دکتر مسعود الگونه جوقانی       | دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان         | m.algone@ltr.ui.ac.ir           |
| دکتر محسن محمدی فشارکی         | دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان         | m.mohammadi@ltr.ui.ac.ir        |
| دکتر زهره نجفی                 | دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان         | z.najafi@ltr.ui.ac.ir           |
| دکتر الهام سیدان               | استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان        | e.sayyedani@ltr.ui.ac.ir        |
| دکتر امید ذاکری کیش            | استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی<br>دانشگاه اصفهان        | o.zakerikish@ltr.ui.ac.ir       |
| دکتر محمود آقاخانی بیژنی       | پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات<br>فارسی دانشگاه تربیت مدرس | aghakhani46@yahoo.com           |
| فرشاد اسکندری شرفی             | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات<br>فارسی دانشگاه اصفهان        | f.eskandarisharafi@ltr.ui.ac.ir |

**شیوه‌نامه نشریه**  
**مطالعات ادبیات معاصر ایران**  
**(فصلنامه علمی – تخصصی)**

**الف. ویژگی‌های کلی مقاله**

۱. مقاله باید دستاورد تحقیقات نویسنده (گان) باشد و از اصالت علمی و نوآوری لازم برخوردار باشد.

۲. مقاله باید دارای روش تحقیق علمی و منابع معتبر و دست اول باشد.

۳. مقاله باید در راستای محورهای موضوعی نشریه (ادبیات معاصر ایران) باشد. این محورها عبارتند از:

\* بررسی و تحلیل ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل سیر تاریخی و تحول‌شناسانه ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل جریان‌شناسانه و آثار شاخص ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل گونه‌های ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل پیوندهای ادبیات معاصر ایران با مسائل و رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... کشور

\* بررسی و تحلیل تأثیرپذیری ادبیات معاصر ایران از ادبیات ایرانی کهن

\* بررسی و تحلیل تأثیرپذیری ادبیات معاصر ایران از ادبیات عامه ایرانی

\* بررسی و تحلیل تأثیرپذیری ادبیات معاصر ایران از ادبیات جهان

\* بررسی و تحلیل جایگاه ادبیات معاصر ایران در ادبیات جهان

\* بررسی و تحلیل ادبیات معاصر ایران بر پایه مکتب‌های ادبی

\* بررسی و تحلیل ادبیات معاصر ایران بر پایه نظریه‌های ادبی

\* بررسی و تحلیل ادبیات معاصر ایران بر پایه انواع ادبی

\* بررسی و تحلیل ادبیات معاصر ایران با رویکرد بینارشته‌ای

\* بررسی و تحلیل ادبیات معاصر ایران با رویکرد تطبیقی

\* بررسی و تحلیل زیبایی‌شناسانه ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل سبک‌شناسانه ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل دستوری و زبانی ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل ادبیات زنان در ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل ادبیات کودک و نوجوان در ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل ادبیات پایداری در ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل ادبیات اقلیمی و بومی و محلی در ادبیات معاصر ایران

\* بررسی و تحلیل درس‌نامه‌های ادبیات معاصر ایران

\* و دیگر موضوعات مرتبط با ادبیات معاصر ایران

۴. زبان مقاله باید علمی باشد.

۵. مقاله‌ای که بیش از یک نویسنده دارد، باید نویسنده مسئول آن مشخص شود. پس از اعلام نویسنده مسئول به نشریه، تغییر آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین لازم است که نویسندگان نخست در این زمینه به توافق کامل برسند و سپس نویسنده مسئول مقاله خود را به نشریه اعلام نمایند. نویسنده مسئول عهده‌دار تمامی مکاتبات با نشریه است و نیز مسئولیت همه مطالب مندرج در مقاله، بر عهده اوست.

۶. ارسال مقاله صرفاً از طریق رایانامه نشریه به نشانی [jcils.ui@gmail.com](mailto:jcils.ui@gmail.com) امکان‌پذیر است.

۷. پس از دریافت مقاله، ایمیل تأییدیه دریافت (پس از حداکثر ۱ هفته)، برای نویسنده مسئول ارسال خواهد شد.

۸. با توجه به داوری دوسو‌شناس، در فصلنامه علمی - تخصصی *مطالعات ادبیات معاصر ایران*، لازم است نویسنده (گان)، از درج هر گونه مشخصات در فایل اصلی مقاله اجتناب نمایند. مشخصات نویسنده (گان)، در فایلی جداگانه نوشته شود و همراه با فایل اصلی مقاله ارسال شود. لازم به ذکر است که پس از ارسال مقاله، امکان هیچ گونه تغییری در اسامی نویسندگان، ترتیب و یا مرتبه علمی آنان، وجود نخواهد داشت. مشخصات نویسنده (گان) باید به ترتیبی که مورد توافق نویسندگان است و به دو زبان فارسی و انگلیسی، شامل موارد ذیل باشد:

\* نام و نام خانوادگی نویسنده (گان)

\* مرتبه سازمانی نویسنده (گان) شامل:

تحصیلات (دانشجوی کارشناسی، دانش‌آموخته کارشناسی، دانشجوی کارشناسی ارشد، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشجوی دکتری، دانش‌آموخته دکتری، مربی، استادیار، دانشیار،

و استاد)، رشته تحصیلی (و نیز ذکر گرایش در صورت وجود)، گروه آموزشی، دانشکده، دانشگاه یا مؤسسه آموزشی، شهر، کشور. مانند:

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

\* رایانامه (پست الکترونیکی)

\* شماره تماس

\* نشانی دقیق پستی محل سکونت جهت ارسال یک نسخه از مجله پس از چاپ.

۹. مقالات مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری، لازم است که همراه با اسم استاد راهنما و استاد مشاور، باشد. اسامی نویسندگان، در این گونه مقالات، باید به ترتیب، شامل: ۱. دانشجو ۲. استاد راهنما (نویسنده مسئول) و ۳. استاد مشاور، باشد. بدیهی است که عواقب ناشی از هر گونه سهل انگاری در این زمینه، متوجه نویسنده (گان) خواهد بود و هیچ گونه مسئولیتی متوجه نشریه نیست.

۱۰. بررسی اولیه مقاله، منوط به رعایت شیوه نامه نگارش مقاله است. پذیرش نهایی و چاپ مقاله در نشریه نیز، به تأیید نهایی هیأت تحریریه وابسته است.

۱۱. نشریه در ویراستاری مطالب مقالات، از نظر ادبی و فنی (بدون تغییر محتوای آن)، آزاد است.

۱۲. مسئولیت مطالب مقالات، از هر نظر، بر عهده نویسنده (گان) است و در این زمینه هیچ گونه مسئولیتی متوجه نشریه نیست.

۱۳. نویسنده (گان) باید متعهد شوند که مقاله ارسالی برای فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات ادبیات معاصر/ایران، قبلاً در هیچ نشریه و همایشی (اعم از داخلی و خارجی) منتشر و نمایه نشده است. نیز باید تعهد نمایند که تا زمان مشخص نشدن نتیجه قطعی مقاله، از سوی هیأت تحریریه فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات ادبیات معاصر/ایران، آن را برای نشریه یا همایش دیگری (اعم از داخلی یا خارجی) ارسال ننمایند. چنانچه در هر زمان، حتی پس از چاپ مقاله، خلاف این مسأله ثابت شود، هیأت تحریریه در اتخاذ تصمیم مقتضی، آزاد است.

۱۴. فایل های ارسالی مقاله باید ۴ مورد، شامل: ۱. فایل اصل مقاله بدون مشخصات نویسنده (گان). ۲. فایل مشخصات نویسنده (گان) مقاله. ۳. فایل تعارض منافع. و ۴. فایل تعهدنامه اخلاقی نویسنده (گان) باشد.

۱۵. پس از پذیرش نهایی مقاله، نامه پذیرش برای نویسنده مسئول ارسال خواهد شد. پس از انتشار مقاله نیز، گواهی انتشار مقاله (از سوی معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه اصفهان) برای نویسنده (گان) صادر و ارسال خواهد شد.

۱۶. مقالات ارسالی، مسترد نخواهد شد.

## ب. اجزای مقاله

۱. اجزای مقاله باید به ترتیب شامل موارد زیر باشد:

\* عنوان مقاله: مقاله باید دارای عنوانی کوتاه باشد و موضوع آن را به صراحت بیان کند. تعداد واژه‌های عنوان مقاله، حداکثر ۱۵ واژه باشد. عنوان در بالای چکیده، به صورت وسط‌چین و با قلم B Nazanin 15 بولد آورده شود.

\* چکیده: چکیده فشرده‌ای از تمام بخش‌های مقاله، از آغاز تا پایان است. در این قسمت باید به‌ترتیب، به هر کدام از بخش‌های مقاله، اشاره‌ای گذرا داشت. چکیده با قلم B Nazanin 12 نوشته شود.

\* واژه‌های کلیدی: واژه‌های کلیدی، در واقع مهم‌ترین و اصلی‌ترین واژه‌هایی است که در متن مقاله آمده است. ارتباط این واژه‌ها با متن مقاله، به‌گونه‌ای است که باید متن مقاله را در تشریح و تفصیل ابعاد گوناگونی از این واژه‌ها و پیوند آن‌ها با یکدیگر دانست. بعد از عنوان «واژه‌های کلیدی»، علامت (: گذاشته شود. واژه‌های کلیدی نیز با نشانهٔ ویرگول (،) از هم متمایز شود. واژه‌های کلیدی با قلم B Nazanin 12 نوشته شود.

توجه ۱: صفحهٔ نخست مقاله، صرفاً شامل عنوان، چکیده و واژه‌های کلیدی باشد. مقدمه از صفحهٔ دوم آغاز می‌شود.

توجه ۲: عنوان مقاله، چکیده و واژه‌های کلیدی، باید به زبان انگلیسی ترجمه و در انتهای مقاله با قلم Times New Roman 11 آورده شود. چکیده مقاله نباید به صورت ماشینی به انگلیسی ترجمه شود. چکیده انگلیسی حداکثر ۲۵۰ واژه باشد.

\* مقدمه: در مقدمه نویسنده باید کلیتی از موضوع را مطرح کند، و در ادامه با دیدی جزیی‌نگرانه، به اصل آن بپردازد. رعایت این مسأله، موجب آماده‌سازی ذهنی مخاطب برای رویارویی با بحث اصلی مقاله و ارتباط مؤثر با آن می‌شود. از نظر شماره‌گذاری عنوان، مقدمه، تیتراژ شماره ۱ است. \* بیان مسأله: در بیان مسأله نویسنده با طرح ابهامات، مجهولات، چالش‌ها و... مرتبط با موضوع، مسألهٔ موجود را که نیازمند پاسخ‌گویی و حل است، معرفی و تبیین می‌کند. این بخش از نظر شماره‌گذاری عنوان در ذیل مقدمه قرار می‌گیرد و باید با قلم B Nazanin 13 نوشته شود.

\* ضرورت و اهمیت پژوهش: در این بخش نویسنده به شکلی استدلال‌مند و غالباً با اشاره به جنبه‌های کاربردی پژوهش، ضرورت انجام آن را یادآور می‌شود. این بخش از نظر شماره‌گذاری عنوان، در ذیل مقدمه قرار می‌گیرد و باید با قلم B Nazanin 13 نوشته شود.

\* روش پژوهش: در این بخش، اطلاعاتی همچون نوع پژوهش، شیوهٔ پژوهش و گردآوری داده‌ها، متغیرها و... ارائه می‌شود. این بخش از نظر شماره‌گذاری عنوان در ذیل مقدمه قرار می‌گیرد و باید با قلم B Nazanin 13 نوشته شود.

\* پیشینه پژوهش: در پیشینه پژوهش، نویسنده باید بکوشد تا به تحقیقاتی که پیش از این، در راستای موضوع مورد پژوهش او، انجام گرفته است، اشاره نماید. این تحقیقات که می‌تواند شامل کتاب، مقاله، پایان‌نامه، و... باشد، باید بر حسب سیر زمانی، از قدیم به جدید تنظیم شود و در هر یک، به صورت خلاصه، نام خانوادگی نویسنده، سال نشر، عنوان پژوهش، هدف، روش و نتایج، ذکر شود. این بخش با قلم B Nazanin 13 نوشته شود. از نظر شماره‌گذاری عنوان، پیشینه پژوهش، تیترا شماره ۲ است.

\* بحث و بررسی: در این قسمت، داده‌های پژوهش مورد بحث و تحلیل و استدلال قرار می‌گیرد. این بخش با قلم B Nazanin 13 نوشته شود. از نظر شماره‌گذاری عنوان، بحث و بررسی، تیترا شماره ۳ است.

\* نتیجه‌گیری: یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش، در این قسمت، به‌صورتی خلاصه‌وار، بیان می‌شود. این بخش با قلم B Nazanin 13 نوشته شود. از نظر شماره‌گذاری عنوان، بحث و بررسی، تیترا شماره ۴ است.

\* پی‌نوشت‌ها: توضیحاتی ضروری که برای تفهیم بهتر بخش‌ها و مطالبی از مقاله نیاز است، در این ذیل پی‌نوشت‌ها آورده می‌شود. پی‌نوشت‌ها باید به ترتیب و متناسب با شماره‌هایی که در متن مقاله آورده شده، شماره‌گذاری و بیان شود. پی‌نوشت‌ها به صورت اتوماتیک از طریق زبانه Reference و با استفاده از گزینه Endnotes ایجاد شود. پی‌نوشت‌ها با قلم B Nazanin 12 نوشته شود.

\* فهرست منابع: منابع به ترتیب الفبایی تنظیم و شماره‌گذاری شود. در بخش منابع، ابتدا منابع فارسی، سپس منابع عربی و بعد از آن منابع انگلیسی آورده شود. شماره‌گذاری هر بخش از منابع (فارسی، عربی و انگلیسی)، جداگانه باشد. منابع (فارسی) باید با قلم B Nazanin 11، منابع عربی با قلم B Badr 11، و منابع انگلیسی با قلم Times New Roman 11 نوشته شود.

### ج. ویژگی‌های ساختاری مقاله

۱. مقاله باید تحت برنامه Word 2016 تنظیم شود.
۲. حجم مقاله باید بین ۴۵۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه باشد.
۳. فاصله هر تیترا با متن قبل از خود 6pt و با متن بعد از خود 0pt باشد.
۴. ابتدای هر پاراگراف دارای تورفتگی 0.5 سانتیمتر باشد. پاراگراف نخست هر بخش به این تورفتگی نیاز ندارد.
۵. فاصله میان سطور به صورت Single 1 تنظیم شود.
۶. شعرها داخل جدول با استفاده از ابزار Table تایپ شود.
۷. مقاله در سایز A4 (21×29.7) تنظیم شود.

۸. عنوان بخش‌ها با قلم B Nazanin 13 بولد نوشته شود.

۹. حاشیه‌های صفحه از هر طرف 3 سانتیمتر باشد.

۱۰. شماره‌گذاری تیترها باید از سمت راست به چپ و به شکل ذیل باشد:

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

۲-۱. روش پژوهش

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

۲. پیشینه پژوهش

۳. بحث و بررسی

۳-۱-۱. ...

۳-۱-۱-۱. ...

۳-۱-۲. ...

.

.

.

۳-۲. ...

۳-۳. ...

.

.

.

۴. نتیجه‌گیری

۱۱. اندازه جدول‌ها، نمودارها، تصویرها و ... 8×12 باشد. عناوین جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و ...

بالای آن‌ها به صورت وسط‌چین و با قلم B Nazanin 11 بولد آورده شود. اطلاعات جدول‌ها،

نمودارها، شکل‌ها و ... به فارسی و با قلم B Nazanin 10 آورده شود.

۱۲. متن عربی مقاله با قلم B Badr 13 و متن انگلیسی مقاله با قلم Times New Roman 11

نوشته شود.

۱۳. معادل لاتین اسامی و اصطلاحات خاص و ناآشنا، به صورت پانوش و با قلم Times New

Roman 8 آورده شود. درج معادل لاتین، برای هر اسم و اصطلاح خاص و ناآشنا، در پانوش

مقاله، تنها همان بار نخست کافی است.

۱۴. رعایت فاصله و نیم‌فاصله در تایپ کلمات متن مقاله، الزامی است.

۱۵. رعایت نکات نگارشی و ویرایشی در نگارش مقاله الزامی است.

۱۶. مقاله مطابق جدیدترین دستور خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی تدوین شود.
۱۷. کلمات مختوم به «ها»ی غیرملفوظ، اگر مضاف و موصوف واقع شود، با نشانه «ۀ» تایپ می شوند:
- \* «نامه» به جای «نامه‌ی»

#### د. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی

۱. نقل قول‌های مستقیم، داخل گیومه قرار داده شود.
۲. نقل قول‌های مستقیم بیش از ۴۰ واژه نیاز به گیومه ندارد. این گونه نقل قول‌ها با فاصله 1.5 سانتیمتر از حاشیه سمت راست با قلم B Nazanin 11 تنظیم شود.
۳. نقل قول‌های غیرمستقیم نیازی به گیومه ندارد.
۴. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی به کتابی که یک نویسنده دارد:
 

\* «متن نقل قول مستقیم» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۵۵).

\* متن نقل قول غیرمستقیم (شمیسا، ۱۳۹۳: ۵۵).
۵. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی به کتابی که دو نویسنده دارد:
 

\* «متن نقل قول مستقیم» (طالبیان و جهرمی، ۱۳۹۱: ۵۶).

\* متن نقل قول غیرمستقیم (طالبیان و جهرمی، ۱۳۹۱: ۵۶).
۶. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی به کتابی که بیش از دو نویسنده دارد:
 

\* «متن نقل قول مستقیم» (گرین و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

\* متن نقل قول غیرمستقیم (گرین و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۴۳).
۷. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی به کتابی که بیش از یک جلد دارد:
 

\* «متن نقل قول مستقیم» (سیدحسینی، ۱۳۸۷: جلد ۱: ۱۰۳).

\* متن نقل قول غیرمستقیم (سیدحسینی، ۱۳۸۷: جلد ۱: ۱۰۳).
۸. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی به کتابی که تاریخ چاپ ندارد:
 

\* «متن نقل قول مستقیم» (دستغیب، بی تا: ۱۷).

\* متن نقل قول غیرمستقیم (دستغیب، بی تا: ۱۷).
۹. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی به کتابی که نویسنده آن مشخص نیست:
 

\* «متن نقل قول مستقیم» (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۳۹۹: ۱۸۴).

\* متن نقل قول غیرمستقیم (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۳۹۹: ۱۸۴).
۱۰. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی به مقاله‌ای که یک نویسنده دارد:
 

\* «متن نقل قول مستقیم» (جوکار، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

- \* متن نقل قول غیرمستقیم (جوکار، ۱۳۹۸: ۱۱۴).
- ۱۱. شیوه ارجاع دهی درون متنی به مقاله ای که دو نویسنده دارد:
- \* «متن نقل قول مستقیم» (هنری و اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۲۸۳).
- \* متن نقل قول غیرمستقیم (هنری و اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۲۸۳).
- ۱۲. شیوه ارجاع دهی درون متنی به مقاله ای که بیش از دو نویسنده دارد:
- \* «متن نقل قول مستقیم» (ظریفیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۳).
- \* متن نقل قول غیرمستقیم (ظریفیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۳).
- ۱۳. شیوه ارجاع دهی درون متنی به پایان نامه یا رساله:
- \* «متن نقل قول مستقیم» (اسکندری شرفی، ۱۳۹۹: ۳۳۵-۳۳۶).
- \* متن نقل قول غیرمستقیم (اسکندری شرفی، ۱۳۹۹: ۳۳۵-۳۳۶).
- ۱۴. برای ارجاع دهی درون متنی به یک منبع تکراری، نیازی به ذکر دوباره آن نیست؛ بلکه می توان به شکل زیر عمل کرد:
- \* «متن نقل قول مستقیم» (همان: ۲۵).
- \* متن نقل قول غیرمستقیم (همان: ۲۵).

#### هـ شیوه منبع نویسی در پایان مقاله

##### الگوی کلی برای منبع نویسی کتاب:

نام خانوادگی نویسنده، نام (سال انتشار کتاب)، نام کتاب، مترجم یا مصحح، شماره جلد یا تعداد جلد ها، نوبت چاپ، شهر: ناشر.

۱. منبع نویسی کتابی که تنها یک نویسنده دارد:
- \* شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، *مکتب های ادبی*، چاپ ششم، تهران: قطره.
۲. منبع نویسی کتابی که دو نویسنده دارد:
- \* صلاحی، عمران و اسدی پور، بیژن (۱۳۷۲)، *طنز/آوران/امروز/ایران*، چاپ چهارم، تهران: مروارید.
۳. منبع نویسی کتابی که بیش از دو نویسنده دارد:
- \* گرین، ویلفرد و دیگران (۱۳۸۰)، *مبانی نقد ادبی*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران: نیلوفر.
۴. منبع نویسی برای کتابی که تاریخ مشخص ندارد:
- \* دیچز، دیوید (بی تا)، *شیوه های نقد ادبی*، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدیقیانی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۵. منبع نویسی کتابی که نویسنده مشخص ندارد:

\* مجمل التوارخ و القصص (۱۳۹۹)، تصحیح و تحقیق اکبر نحوی، چاپ اول، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار / سخن.

۶. منبع نویسی دو یا چند کتاب از یک نویسنده که سال انتشار آن‌ها یکی است:

\* علیخانی، یوسف (۱۳۹۵ الف)، عروس بید، چاپ پنجم، تهران: آموته.

\* علیخانی، یوسف (۱۳۹۵ ب)، قدم بخیر مادر بزرگ من بود، چاپ پنجم، تهران: آموته.

۷. منبع نویسی برای مطلبی که برگرفته از مقدمه یک کتاب است:

\* بهار، محمدتقی (۱۳۹۴)، دیباچه بر: دیوان پروین اعتصامی، چاپ هفتم، تهران: نگاه.

#### الگوی کلی برای منبع نویسی مقاله:

نام خانوادگی نویسنده، نام (سال انتشار مقاله)، «عنوان مقاله»، عنوان مجله، دوره (سال)، شماره، صص.

۱. منبع نویسی مقاله‌ای که یک نویسنده دارد:

\* شرکت مقدم، صدیقه (۱۳۸۸)، «مکتب‌های ادبیات تطبیقی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال ۳، ش ۱۲، صص ۵۱-۷۱.

۲. منبع نویسی مقاله‌ای که دو نویسنده دارد:

\* شاکری، عبدالرسول و عباسی، علی (۱۳۸۹)، «تأثیر تصویرهای نمادین بر پیرنگ رمان جای خالی سلوچ»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۱۵، شماره ۵۹، صص ۴۳-۵۱.

۳. منبع نویسی مقاله‌ای که بیش از دو نویسنده دارد:

\* مهری، فریبا و دیگران (۱۳۹۷)، «کارکرد لایه ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبکی غزل اجتماعی معاصر»، ادبیات پارسی معاصر، دوره ۸، شماره ۲، صص ۲۲۳-۲۴۹.

۴. منبع نویسی مقاله همایشی:

\* بهداروند، ارمغان (۱۳۹۴)، «بررسی مؤلفه‌های زبان گفتار در شعر قیصر امین‌پور»، مجموعه مقالات دهمین همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، جلد دوم، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.

۵. منبع نویسی برای مقاله‌ای که در مجموعه‌ای از مقالات، از نویسندگان گوناگون منتشر شده است:

\* فتوحی، محمود (۱۳۸۷)، «شکل و ساخت شعر شفيعی»، در: سفرنامه باران، نقد و تحلیل و گزیده اشعار شفيعی کدکنی، به اهتمام حبیب‌الله عباسی، چاپ اول، تهران: سخن.

#### الگوی کلی برای منبع نویسی پایان‌نامه و رساله:

نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال دفاع از پایان‌نامه / رساله)، عنوان، استاد راهنما، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری، شهر: دانشگاه.

\* کاظمی، مینا (۱۳۹۲)، *تحلیل و نقد جایگاه ادبی- اجتماعی رمان‌های عامه‌پسند*، استاد راهنما: محسن محمدی فشارکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

#### و. هزینه‌های مقاله

\* پس از انتشار مقاله، گواهی چاپ و نیز یک نسخه از مجله برای نویسنده (گان) ارسال می‌شود که هزینه پستی آن بر عهده نویسنده (گان) است.

## فهرست مقالات

عنوان..... صفحه

تحلیل نتایج سرخوردگی از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، در شعرهای مهدی اخوان ثالث ..... ۲۳

تحلیلی روان‌شناسانه بر داستان کوتاه «دانش آکمل» صادق هدایت ..... ۴۳





مطالعات ادبیات معاصر ایران  
سال ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

صص. ۲۳-۴۱

## تحلیل نتایج سرخوردگی از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، در شعرهای مهدی اخوان ثالث

داریوش طهماسبی<sup>۱</sup>

اسماعیل صادقی<sup>۲</sup>

جهانگیر صفری<sup>۳</sup>

### چکیده

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، رویداد تاریخی مهمی بود که تأثیری عمیق و پایدار بر ذهنیت نخبگان و روشنفکران و نیز سایر طبقات اجتماعی ایران باقی گذاشت. در میان شاعران روشنفکر معاصر که رویداد کودتا را درک کردند، مهدی اخوان ثالث، به دلیل آن که به ملی‌گرایان و روی کارآمدن آنان و شکست و دفع سلطنت، امید بسیار بسته بود، پس از شکست ملی‌گرایان در جریان کودتای ۲۸ مرداد، بیش از دیگران سرخورده شد. هدف این پژوهش، که روشی توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌ها را از طریق مراجعه به اسناد و منابع کتابخانه‌ای فراهم آورده، تحلیل نتایج سرخوردگی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در شعرهای اخوان ثالث است. به این منظور، با مطالعه سروده‌های اخوان ثالث، آن‌هایی که تحت تأثیر کودتا گفته شده، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته‌است. از میان این دست اشعار اخوان ثالث، ۶ مورد، گزینش و در این مقاله تبیین و تحلیل شده‌است. این شعرها که مربوط به مجموعه «زمستان» (۱۳۳۵) است، به ترتیب الفبایی: ۱. «آواز کرک»، ۲. «اندوه»، ۳. «باغ من»، ۴. «برای دخترکم لاله و آقای مینا»، ۵. «چاووشی»، و ۶. «زمستان» است. تحلیل این شعرها نشان می‌دهد که اخوان ثالث پس از کودتای ۲۸ مرداد، دچار سرخوردگی مفرط می‌شود؛ آن گونه که نسبت به آینده و هر گونه دگرگونی مثبتی که می‌تواند به وجود آید، ناامید می‌گردد و نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی رویکردی منفعلانه در پیش می‌گیرد.

### کلیدواژه‌ها

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، شعر معاصر، مهدی اخوان ثالث، سرخوردگی و ناامیدی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

رایانامه: [daruosh557@gmail.com](mailto:daruosh557@gmail.com)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: [sadeghiesma@gmail.com](mailto:sadeghiesma@gmail.com)

۳. استاد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

رایانامه: [safari\\_706@yahoo.com](mailto:safari_706@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، و سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق را می‌توان پایان دوره ناسیونالیسم و ملی‌گرایی در ایران دانست؛ ملی‌گرایی سازمان‌یافته‌ای که از طریق احزابی چون «حزب ملی» شکل گرفته بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، ایران استقلال سیاسی خود را از دست داد و دوباره دولت‌های دست‌نشانده در کشور تشکیل شدند. فضای آرام ایران تبدیل به یک فضای سرکوب‌گرایانه و غیردموکراتیک شد؛ احزاب سیاسی مستقل از بین رفتند و احزاب سیاسی دولتی جایگزین آن‌ها شدند. قدرت شاه که تا پیش از کودتا، مطابق چهارچوب قانون اساسی حیطهٔ اختیارات مشخصی داشت، با درهم‌شکسته شدن این چهارچوب، رو به فزونی نهاد و زمینهٔ دیکتاتوری شاه در سال‌های بعد فراهم شد. این موضوع در عرصهٔ ادبیات این دوره بازتاب یافته است.

در این برهه از تاریخ معاصر ایران، شاعران روشنفکر، بدون آن‌که به ریشه‌یابی و تحلیل عوامل شکست دولت مصدق و ناکام‌ماندن تلاش‌هایی که در جهت تغییر شرایط سیاسی شده بود، بپردازند، با حسی نوستالژیک، گذشته‌های دور را مطالبه و با حال مقایسه کردند. یا آینده‌ای تیره و تار را ترسیم کردند و حال خود را تباه‌تر از آن دانستند که اصولاً بخواهند تلاشی در راستای دگرگونی آن داشته باشند. از میان شاعران متأثر از رویداد کودتای ۲۸ مرداد، کمتر شاعری را می‌شناسیم که به اندازه اخوان ثالث سرخورده شده باشد یا در شعرش این سرخوردگی را انعکاس داده باشد. درست است که رویداد کودتای ۲۸ مرداد، بر فضا و جوهر فکری شاعران آن دوره اثر گذاشته؛ اما میزان این تأثیر بر شعر هیچ یک از آنان، به اندازه شعر اخوان ثالث، مستقیم نیست (حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۲)؛ و باید او را شاخص‌ترین چهرهٔ شعر معاصر بدانیم که شکست سیاسی و اجتماعی، بیش‌ترین تأثیر را بر اندیشهٔ شعرش بر جای گذاشته است (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). ضربهٔ روحی سنگینی که کودتا و شکست جبههٔ ملی بر اخوان ثالث وارد ساخت، موجب شد تا او با وجود داشتن تخلص شعری «امید»؛ از هر گونه عشق و امید تهی شود و در نتیجهٔ نفرت و یأس سرشاری که در او تولید شده بود، ناامیدترین و تاریک‌ترین شعرها را بسراید (عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۱: ۲۳۷؛ حسین‌پور چافی، ۱۳۹۰: ۲۴۱). در این رابطه باید دانست که یکی از درون‌مایه‌های غالب شعری، در شعر دورهٔ پس از کودتا (بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰)، یأس و مرگ‌اندیشی و ستایش مرگ است که بی‌شک به موضوع کودتا و شکست شاعرانی برمی‌گردد که اندیشهٔ

مساعده شدن شرایط کشور را در سر داشتند. این درون مایه در شعر اخوان ثالث، بیش از هر شاعر دیگری احساس می شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۶۱).

## ۱-۱. بیان مسئله

رویدادهای سیاسی و اجتماعی معاصر، همواره دستمایه ای برای آفرینش های ادبی و بازنمایی بازخورد و تأثیرات آن رویدادها بر زندگی مردم، به زبان شعر و یا دیگر گونه های ادبی بوده است. در سال ۱۳۳۲ خورشیدی، کودتای ۲۸ مرداد روی داد. این شکست ملی بر ابعاد مختلفی از زندگی اقشار و طیف های گوناگون مردم ایران تأثیری منفی نهاد. شاعران از جمله طبقات اجتماعی و روشنفکران ایران بودند که از این اتفاق ناگوار و پیامدهای تلخ آن شدیداً متأثر شدند. از این بین، مهدی اخوان ثالث، به سبب روحیه ملی گرایانه خود، در شمار شاعرانی بود، که به شکلی عمیق از این رویداد تأثیر پذیرفت. آن گونه که ناکامی ناشی از کودتای ۲۸ مرداد، شخصیت و طرز اندیشه این شاعر را تحت الشعاع خود قرار داد و او را به یأس و سرخوردگی مزمونی گرفتار ساخت. عمق تأثیرگذاری منفی کودتای ۲۸ مرداد بر اخوان ثالث، در شعرهایی که پس از این مقطع سروده است، به خوبی نمایان است. این پژوهش با بررسی اشعار اخوان ثالث، به دنبال بررسی و تحلیل نتایج سرخوردگی وی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. پرسش های پژوهش:

۱. آیا رویداد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، موجب سرخوردگی اخوان ثالث شده است؟

۲. در صورت سرخوردگی اخوان ثالث از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، این سرخوردگی چه پیامدهایی بر اندیشه و شعر او داشته است؟

## ۲-۱. روش پژوهش

پس از مطالعه اسناد و منابع کتابخانه ای و جمع آوری داده های مورد نیاز این پژوهش، آن ها با روشی توصیفی-تحلیلی، ارائه شده است. جامعه آماری این پژوهش چاپ هفدهم کتاب «شعر زمان ما ۲ (اخوان ثالث)» (۱۳۹۶: نشر نگاه)، تألیف محمد حقوقی است که گزیده شعرهای مهدی اخوان ثالث را در بر می گیرد. با مطالعه این کتاب، و شناخت شعرهایی که با تأثیرپذیری از رخداد کودتای ۲۸ مرداد سروده شده، به تحلیل آن ها پرداخته شده است. شعرهایی که جهت ارائه در این مقاله، انتخاب شده، ۶ مورد و همگی مربوط به مجموعه زمستان است؛ مجموعه ای که دومین اثر اخوان ثالث و اولین کتاب او پس از کودتای ۲۸ مرداد به شمار می رود و در سال ۱۳۳۵ منتشر

شده است. شعرهای منتخب در این مقاله، به لحاظ الفبایی، عبارتند از: ۱. «آواز گُرک»، ۲. «اندوه»، ۳. «باغ من»، ۴. «برای دختر کم لاله و آقای مینا»، ۵. «چاووشی»، و ۶. «زمستان».

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

این پژوهش با بازنمایی چند و چون تأثیرگذاری رویداد کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، بر اندیشه و اشعار مهدی اخوان ثالث، گوشه‌ای از ارزش‌های اجتماعی شعر اخوان ثالث و تعهد اجتماعی این شاعر را، به عنوان یک روشنفکر، در قبال مسائل اجتماعی عصر خود، نشان می‌دهد. در این چهارچوب، بدیهی است به هر میزانی سرخوردگی این شاعر از رویداد کودتای ۲۸ مرداد بیش‌تر باشد، گواهی بر دغدغه‌مندی عمیق‌تر او، نسبت به بهبود شرایط اجتماعی زمانه خود، خواهد بود.

### ۲. پیشینه پژوهش

بررسی تأثیر کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، بر شعر معاصر، مسبوق به سابقه است. در میان پژوهش‌های این حوزه، برخی مستقلاً تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث را از کودتا کاویده‌اند، به عنوان نمونه:

۱. جمشید مظاهری و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله «لکه ابر عابر آفاق نومیدی (نگاهی به شعر اخوان با تکیه بر تأثیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)»، دریافته‌اند که کودتای ۲۸ مرداد و شکست سیاسی- تاریخی ناشی از آن، به گونه‌ای اخوان ثالث را تحت تأثیر قرار می‌دهد که شخصیت شعری او، به یاسی فلسفی مبتلا می‌شود.

پژوهش بالا اگر چه تأثیر کودتا را بر شعر اخوان ثالث بررسی کرده؛ اما دوره‌های دیگری از حیات شعری این شاعر را نیز تحلیل نموده است. اما پژوهش کنونی، با عنوان «تحلیل نتایج سرخوردگی از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، در شعرهای مهدی اخوان ثالث»، صرفاً تأثیرپذیری اخوان ثالث از کودتا را بررسی می‌کند و از این حیث مجال بیش‌تری برای پرداختن به این موضوع خواهد داشت.

### ۳. بحث و بررسی

مطالعه سروده‌های مهدی اخوان ثالث، مؤید این موضوع است که شعر اخوان ثالث، پیوندی ناگسستی با مسائل و رخداد‌های عصر شاعر دارد. شعرهای سیاسی- اجتماعی پُرشماری که در میان سروده‌های اخوان ثالث موجود است، آینه تمام‌نمای نقاط عطف چند دهه از تاریخ معاصر ایران است. در این میان، رویداد کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، جایگاهی ویژه دارد و دستمایه سرایش شعرهای متعدد بوده‌است. نیز این رویداد، موجب دگرگونی در اندیشه‌های این شاعر و سرخوردگی او از آرمان‌ها و آرزوهای سیاسی و اجتماعی‌اش بوده‌است. تغییر روحیه اخوان ثالث در جهتی منفی که قرین با یأس و ناامیدی است، در سروده‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد او به وضوح مشخص است (حقوقی، ۱۳۹۶: ۵۶؛ صادقی و آقاخانی بیژنی، ۱۳۹۵، ۶۵-۷۱). در ادامه، ۶ مورد از این سروده‌ها، تبیین و تحلیل می‌شود.

### ۳-۱. آواز کَرک

از شعرهایی که ورود و خوض مهدی اخوان ثالث را به پدیده‌های طبیعی می‌رساند و ناشی از احساس همدلی او با طبیعت و عناصر و حیوانات است، «آواز کَرک» نام دارد. صیادان کَرک یا بلدرچین را با تقلید صدایش صید می‌کنند و این پرنده به امید جفت‌جویی به صدا نزدیک می‌شود و صید می‌شود (حقوقی، ۱۳۹۱: ۹۱).

این ترفند، اخوان ثالث را که شاعری باذوق بوده و راه کشف ارتباط خلاقانه و پیوند زدنِ امور طبیعی با امور نفسانی را می‌دانسته‌است؛ وادار کرده که شکست پس از کودتا و وعده‌های بی‌فایده و پوچ را که سرانجامی نداشته‌است، به فریب خوردن «کَرک» تشبیه کند و سپس با استفاده از ترفند سخن‌گفتن با پدیده حیوان، با حس همدلی، میان دریافت‌های خود و عواطفش با حیوان و خصلت‌هایش، پیوند برقرار کند و «دروغین‌بودن» را به موضوع اصلی شعر بدل کند. نهایت هنر شاعری در بیان یک ایده و حس، از طریق ایجاد نوعی دیالوگ با حیوان یا پدیده در این شعر مشهود است.

لحن و بیان صمیمانه شعر اجازه همدلی را می‌دهد؛ همدلی‌ای که ابتدا در میان شاعر با طبیعت و حیوان شکل گرفته‌است و لحن صمیمی در القای آن به خواننده کمک می‌کند. در آغاز شعر، تکرار «بده» که صدای کَرک را تداعی می‌کند، بر بدی و شرارت محیط انسانی تأکید دارد و امیدبستن به آن را فریب و گرفتارکننده می‌داند و ترکیب ندایی «کَرک جان!» مثل «پاییز جان!» (نک: اخوان ثالث، به نقل از محمد حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۳۱)؛ که در شعر اخوان ثالث از ویژگی‌های قالب‌کردن عاطفه و همسویی با طبیعت و پدیده‌هاست؛ فضا را برای همدلی ایجاد

کرده است. کاربرد «بد» و صفت «تلخ» در «آواز تلخ» با حس آمیزی موجود در آن، بسیار هنری است و تداعی کننده سخنان زیبایی است که شاعر و مردم، فریب آن‌ها را بسیار خورده‌اند. شعر «آواز کرک»، به خوبی نشان می‌دهد تمام فضا سازی‌ها فریب و گرفتار کننده بوده است. شاعر خود را به عنوان نماینده مردم با حیوانی هم‌نوا و مشابه می‌داند که هنر و فضیلتش باعث گرفتاری و آسیب رسیدن به اوست. این شعر از آن گونه اشعاری است که میزان آسیب روحی و عاطفی شاعر را از شرایطی که در آن زندگی می‌کرده است به خوبی نشان می‌دهد:

- «بده... بدید... چه امید؟... چه ایمانی؟...»

- «کرک جان! خوب می‌خوانی.

من این آواز پاکت را در این غمگین خراب‌آباد،

چو بوی بال‌های سوخته پرواز خواهم داد.

گرت دستی دهد با خویش در دنجی فراهم باش.

بخوان آواز تلخت را، ولکن دل به غم مسپار.

کرک جان! بنده دم باش...»

- «بده... بدید... ره هر پیک و پیغام خبر بسته‌ست.

نه تنها بال و پر، بال نظر بسته‌ست.

قفس تنگ است و در بسته‌ست...»

- «کرک جان! راست گفتی، خوب خواندی، ناز آواز،

من این آواز تلخت را...»

- «بده ... بدید... دروغین بود هم لبخند و هم سوگند.

دروغین‌ست هر سوگند و هر لبخند.

و حتی دلنشین آواز جفتِ تشنه پیوند...»

- «من این غمگین سرودت را

هم آواز پرستوهای آه خویشتن پرواز خواهم داد.

به شهر آواز خواهم داد...»

- «بده... بدید... چه پیوندی؟ چه پیمانی؟...»

- «کرک جان! خوب می‌خوانی

خوشا با خود نشست، نرم‌رمک اشکی افشاندن،

زدن پیمانه‌ای - دور از گرانان - هر شبی کنج شبستانی.»

(همان: ۹۱-۹۳)

«اندوه»، نام شعر کوتاهی است که با برجسته نشان دادن نمادهای خاص که نشانه خشم و سرخوردگی اند، به گونه‌ای فضای سراسر اندوهگین و مأیوسانه را تداعی می‌کند. در این شعر انفعال شاعر، که دلبستگان به تحول؛ ولی سرخورده از شکست و عدم تحول را نمایندگی می‌کند، در برابر شرایط غیرقابل تحمل و حاکمیت جنون و بی‌عاطفگی، نشان داده شده‌است. شرایط نامساعد تغییری نمی‌کند و استمرار دارد. در برابر آن هیچ کاری از گرفتاران سرخورده برنمی‌آید. «شب دیوانه غمگین» ترکیب وصفی خاصی است که بهتر از هر ترکیب و تصویری، استمرار سیاهی و یأس و دلزدگی فعالانه و جابرا نه را تداعی می‌کند.

معمولاً در شعر فارسی، «شب دیرپاز تاریک» نماد سلطه اوضاع حزن‌آور و رکود و یأس است. «شب عشاق گرفتار هجران در ادب سنتی» و «شب دلگیر و سرد» در شعر معاصر، نماد سلطه سیاهی و وحشت است که در تقابل با «سحر و روشنی روز» که نماد زندگی و حیات جنبش و بیداری می‌باشد، آمده‌است. در این شعر مهدی اخوان ثالث، با کاربرد صفت «دیوانه غمگین» با شخصیت دادن به شب، آن به انسانی تشبیه شده‌است که جنون و وحشت‌افزایی را هم‌زمان با غم و اندوه در خود دارد و البته «غمگین» بیش‌تر، حالت احساس رهگذر را تداعی می‌کند؛ هرچند ویژگی خود شب هم هست.

درواقع، صفات «شب»، صفات رهگذر بی‌پناه در دشت بی‌کران و خلوت هم هست. شروع شعر با «نه» و تکرار «نه» و سلطه منفیت در کل شعر، به‌خوبی، حالت احساس حاکم بر شعر را همراه با فضای رعب‌آور و مستمر «شب دیوانه غمگین»، چونان تصویری پایدار و ناگذار، به خواننده شعر تلقین می‌کند.

بارش مدام باران و سرگردانی رهگذر بی‌پناه در دشت بی‌کران، هیچ‌گونه نشانه امیدی باقی نمی‌گذارد. دل‌بستن به اتفاق‌های بد چیز غریبی است؛ در بارش «ابر سیاه ساکت دلگیر» که به‌خوبی نمایانگر سیاهی و سکوت وحشت‌آور حاکمیت ستم است؛ حتی «صغیر بادِ ولگرد» و «چراغ چشم‌گرگی پیر» نیز مورد انتظار نیست. درواقع، شاعر به هر نشانه‌ای که شرایط را تغییر بدهد دل بسته‌است؛ حتی اگر وحشت را فزونی ببخشد، بهتر است از استمرار «شب دیوانه غمگین»؛ زیرا آن چه رنج‌آور و کشنده است، تداوم اوضاع بدون هیچ تحولی است.

البته از یک نگاه دیگر و با ایهام، «گرگ پیر» می‌تواند، مصدق پیر و شکست‌خورده و گرفتار زندان را تداعی کند. این شعر، یک سال پس از کودتای ۲۸ مرداد سروده شده‌است و تسلط سانسور سختگیرانه حاکمیت، دگراندیشان دل‌بسته به تحول، ولی سرخورده از شکست را عصبانی

و ناامید کرده است. این شعر به خوبی طغیان ناشی از خشم شاعران را نشان می‌دهد؛ هر چند شاعر مجبور است سرخورده از اوضاع، خشمش را فروخورد و فقط از طریق تصویرهای شعرش آن را بروز دهد:

نه چراغ چشمِ گرگی پیر؛  
 نه نفس‌هایِ غریب کاروانی خسته و گمراه؛  
 مانده دشت بیکران خلوت و خاموش؛  
 زیر بارانی که ساعت‌هاست می‌بارد؛  
 در شب دیوانه غمگین؛  
 که چو دشت، او هم دلِ افسرده‌ای دارد.  
 در شب دیوانه غمگین؛  
 مانده دشت بیکران در زیر باران، آه، ساعت‌هاست؛  
 همچنان می‌بارد این ابر سیاه ساکت دلگیر؛  
 نه صدای پای اسب رهزنی تنها؛  
 نه صفیر بادِ ولگردی؛  
 نه چراغ چشمِ گرگی پیر.  
 (همان: ۸۱-۸۲)

جالب است، محور تصاویر که تشبیه است با کاربرد صفات و به صورت اضافی است و فقط در یک مورد ادات تشبیه «چو» به کار رفته است. در واقع شاعر با بیانی ساده و از طریق اطلاق صفات به پدیده‌ها، تشبیه خلق می‌کند. این امر شاید ناشی از غلبه عاطفی و تأثیر آن در شکل‌گیری شعر با لحن و بیان یکنواخت و صرفاً از طریق توصیف یک موقعیت بوده است و نام شعر «اندوه»، بدل به درون‌مایه شعر می‌شود.

### ۳-۳. باغ من

«باغ من»، شعر دیگری از مهدی اخوان ثالث است که محور نمادین آن «پاییز» و «باغ پاییزی» است. این شعر علاوه بر نشان دادن نهایت اندوه و دل‌گرفتگی ناشی از شرایط، بیانگر آن است که شرایط روحی شاعر به حدی رسیده است که با غم و اوضاع آن خوگر شده و زردی و گرفتگی آن را تا حدی پذیرفته است. خوگر شدن اخوان ثالث با شرایطش را در برخی شعرهای دیگرش نیز می‌بینیم؛ گویی نمی‌خواهد که غم و اندوه رهایش کند و با آن‌ها دوست و مأنوس می‌شود. اخوان ثالث در این شعر، پاییز را که در طبیعت، در تقابل با بهار قرار می‌گیرد و طلوعه زمستان است، با نوعی هنجارگریزی در نمادگزینی، نشانه‌ای مثبت در نظر می‌گیرد. پاییزی که لُختی

درختان، زردی طبیعت، باد و آغاز سرما را به دنبال دارد و در عرصهٔ ادب فارسی کمتر شاعری به وجه مثبت آن پرداخته‌است (به جز خمریات امثال منوچهری دامغانی از قبیل: «خیزید و خز آرید که هنگام خزان است...» (نک: منوچهری دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۵۹-۲۶۵). پاییز اما در شعر اخوان ثالث به زیباترین و عاطفه‌برانگیزترین وجه ستوده شده‌است تا به میزانی که شاعر با زبانی شبه‌روایی و با توصیفاتی زیبا، آن را تابلویی جادویی در برابر مخاطب قرار می‌دهد. اخوان ثالث در شعر «خزانی» هم با مخاطب قراردادن پاییز (پاییز جان!) دلبستگی‌اش را به این فصل نشان می‌دهد (نک: اخوان ثالث، به نقل از محمد حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۳۱). اخوان ثالث به لحاظ روانی، با همسویی درونی و دریافتش از طبیعت و با آن‌چه او را آینگی می‌کند، به چنین انتخاب هنجارگیزانه‌ای دست می‌زند. به عبارت دیگر، نهایت غم و دردیافتن و خوگرشدن به آن و تبعاتش و نیز شرایط اندوهناک باعث می‌شود شاعر در طبیعت آن چیزی را دوست بدارد که ضمیرش، با آن همسویی کامل دارد که اثر تمام آن عواطف و دریافت‌های اخوان ثالث را تداعی می‌کند؛ حس پیری زودرس، غمگینی، سرخوردگی، از شادی و امید تهی‌بودن و نزاری جسمانی به بهترین شکل با عناصر پاییزی، از جمله فضای ابرآلود و درختان پاییزی بی‌بار و بی‌برگ، و... تناسب دارد. نیز این شعر و عناصرش گذشته‌پرحاصل، و اکنون بی‌حاصل و سرگردانی را که با شرایط اخوان ثالث همسویی کامل دارند نمایش می‌دهد.

شعر باغ من، خرداد ۱۳۳۵ سروده شده‌است و هنوز ماجرای کودتا تازگی دارد. در این شعر شاعر با همسوس شدن با طبیعت و غور در عناصر و پدیده‌ها، شعری را خلق کرده که تصاویر آن از ناب‌ترین تصویرهای شعر فارسی است. پاییز در ادب فارسی، نماد زردی و دلگیری و بیماری و سکوت و مقدمه زمستان است. اما اخوان ثالث که در وجود خودش نزاری و غمگینی و تنهایی را از عمق جان درک می‌کند و با آن‌ها خوگر می‌شود؛ به جای اعتراض به شرایط حاکم بر وجودش، منفعلانه پاییز را در وجود خودش می‌پذیرد؛ هرچند هنوز جوان است؛ ولی سیر تحولات زندگی و ناملایمتهای، شخصیت زودرنج و احساساتی‌اش را در نظر، پیر و منفعل و درگیر رنج نشان می‌دهد.

شاعر باذوقی مثل اخوان ثالث که کاشف ارتباط بین عواطف با طبیعت و پدیده‌های طبیعی است؛ ناگهان میان خود و شمایل و ادراک و عواطفش با جلوه‌ای از طبیعت، این همانندی را احساس می‌کند و پاییز را جلوه‌ای از خود یا برعکس در خود می‌بیند. او با پاییز احساس یگانگی و همسویی می‌کند و باغ پاییزی را چونان آینه‌ای می‌بیند که در برابر خود گرفته‌است. از سوی

دیگر، جو حاکم بر زندگی خود را (اوضاع دهه سی و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی)، چونان پاییزی می‌بیند که از آن گریزی نیست و به شکل هنری و شگفت، به جای طغیان، پذیرش و همنوایی را پیشه می‌کند و با باغ پاییزی، از طریق جان‌بخشیدن با آن و عناصر و پدیده‌هایش درددل می‌کند. کوتاه آن که شعر باغ من هم ترجمان درون شاعر است و هم اوضاع وطن را در زمانه سرایش آن، به خوبی باز می‌نماید (روزبه، ۱۳۸۹: ۲۷).

اخوان ثالث در این شعر، به جای این که آسمان را مسلط بر باغ بداند، آن را چون یاری در آغوش ابر می‌بیند؛ ابر و آسمانی که با «باغ پاییزی» صحنه‌ای را خلق کرده‌اند که تمام سکوت و تنهایی حاکم بر جان شاعر را تداعی می‌کنند. باغ پاییزی چونان خود اخوان ثالث که دل از هر چیزی بریده، از بهار و آینده بی‌نیاز است و به صفات و دارایی‌های خود دلخوش است. این شعر از هنری‌ترین اشعار اخوان ثالث است که هم حس و درک درونی شاعر را به خوبی نشان می‌دهد و هم فضای حاکم بر زندگی‌اش را. شاعر پس از سرخوردگی‌های بسیار، به اوضاع راکد و بی‌روح عادت می‌کند و به جای طغیان ملال پس از ناامیدی، نسبت به اوضاع دل می‌بندد و با آن خوگر می‌شود:

آسمانش را گرفته تنگ در آغوش

ابر؛ با آن پوستین سرد نمناکش

باغ بی‌برگی،

روز و شب تنهاست،

با سکوت پاک غمناکش.

ساز او باران، سرودش باد.

جامه‌اش شولای عربانی‌ست

ور جز اینش جامه‌ای باید

بافته بس شعله زرتارِ پودش باد.

گو بروید، یا نروید، هر چه در هر جا که خواهد، یا نمی‌خواهد.

(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۸۹-۹۰)

### ۳-۴. برای دختر کم لاله و آقای مینا

شعرهای متعددی از مهدی اخوان ثالث باقی مانده که موضوعشان مربوط به زندگی خصوصی و درون خانوادگی اوست؛ اما فضا و درون‌مایه آن‌ها بیانگر نارضایتی و یأس و حرمان او از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. از آن جمله، شعر «برای دختر کم لاله و آقای مینا»، که شاعر

با پناه بردن به دخترش با دست‌های کوچک و رفتارهای شورآورش، دمی از حزن ناشی از شرایط حاکم بر زندگی رهایی پیدا می‌کند؛ اما همچنان افکار منفی ناشی از تسلط شرایط آزاردهنده، به سراغش می‌آید. در یک رفتار متناقض‌گونه، دنیای کودکی و زیبایی لاله برای مدتی اخوان ثالث را سرخوش می‌کند؛ اما دنیای بیرون را یا بهتر است بگوییم سلطه منفیت حاکم بر ذهن اخوان ثالث، دوباره او را از تصویر زیبایی که دخترش برای او خلق کرده است، می‌گسلاند.

به هر حال این شعر، نشانگر عدم رهایی شاعر حساس و شکننده از دست اوضاع آزاردهنده و خردکننده است. به عبارت دیگر، شاعر چنان درگیر چرای سلطه سیاه ستمگری پس از دلبستگی به تحول و شکست بعد کودتاست که نمی‌تواند به هیچ طریقی از شر افکار آزارنده رهایی یابد. وقتی شاعر سرخورده، از سیاستمداران و روشنفکران مخالف حاکمیت ناامید می‌شود، تحت تأثیر غلبه احساس، به این امر امید بسته است که شاید دست‌های کوچک «لاله» بتواند حصار نور سردی که زندگی‌اش را در بر گرفته است، بشکند:

با دست‌های کوچک خویش  
 بشکاف از هم پرده پاک هوا را  
 بشکن حصار نور سردی را که امروز  
 در خلوت بی‌بام و در کاشانه من  
 پرکرده سرتاسر فضا را  
 با چشم‌های کوچک خویش  
 کز آن تراود نور بی‌نیرنگ عصمت  
 کم‌کم بین این پرشگفتی عالم ناآشنا را...

(همان: ۸۱)

شاعر غبطه می‌خورد به دنیای کودکی، که هیچ امری در آن جز تازگی و کشف و سرخوشی وجود ندارد. علاوه بر دنیای شاعر که آکنده از سرخوردگی و شکست و بدبینی و ناامیدی است؛ ملاحظه خیانت‌ها و تزویر و چندرنگی آدم‌ها و... تا جایی است که او به بیزاری مطلق می‌رسد:

دیگر سیاهم من، سیاهم.  
 دیگر سپیدم من، سپیدم.  
 وز هر چه بود و هست و خواهد بود، دیگر  
 بیزارم و بیزار و بیمیدم  
 نومیدم و نومیدم و نومیدم؛  
 هر چند می‌خوانند «امید» م...

(همان: ۸۵)

«بیزاری» نتیجه سرخوردگی و صفتی است که اخوان ثالث را به انزوا می‌کشاند و طبیعتاً طی تجربه به دست آمده است. شاعر امیدوارانه دل بسته و دل خوش بوده و اعتماد کرده و صادقانه در مسیر زندگی برای تعالی فرهنگ کشورش کوشیده است؛ اما شگفت‌زدگی شاعر پس از مشاهده خیانت و دورنگی و خودخواهی دوستان و همکاران و غریبه‌ها و... او را به مرحله بیزاری کشانده است. مرحله‌ای که در آن دوستان خیرخواه و صحنه‌های امیدبخش زندگی و اتفاقات خوب هم نمی‌توانند اعتماد فرد بیزار را به دست آورند.

### ۳-۵. چاووشی

یکی از ویژگی‌های فکری مهدی اخوان ثالث، ابراز علاقه شدید به اساطیر و حماسه و در مجموع فرهنگ و اندیشه ایران باستان است (یاحقی، ۱۳۹۱: ۹۵). دلبستگی نوستالژیک این شاعر به ایران باستان، موجب شده تا او با مقایسه شرایط امروز ایران با ایران باستان، غالباً گذشته دور را رویارویی و پر از شکوه و هیبت بداند، با رسومی بایسته و خصال شایسته با اعتبار و اهمیتی والا و آیین‌های انسانی و اعلا، که نقطه مقابل شرایط اسفناک ایران امروز است؛ که در آن هیچ چیز به‌قاعده نیست. پستی و سستی و بی‌اخلاقی و ناجوانمردی و دیوخویی، سرپای زندگی مردم را فراگرفته و آیین‌ها از اعتبار افتاده و گویی مردم نوعی از کمدی را اجرا می‌کنند که در آن همه چیز مضحک است.

اخوان ثالث نگرش نوستالژیک تاریخی خود را از یک‌سو بدل به وسیله‌ای برای رفتن به جنگ مدرنیته می‌کند (با تأثیرات متناقضش بر ایران). از سوی دیگر، به نبرد با شرایط فرهنگی و سیاسی - اجتماعی دوران زندگی خود می‌رود که از تمام خوبی‌های گذشته عاری است و تمام بدی‌های معاصر را دارد؛ با ذهنیتی نو و امیدوار، جهان را نه، اما تاریخ سیاهکار را در معرض دید می‌گذارد. به معنی فلسفی کلمه، «بدبین» نیست؛ حتی منتظر صید لحظه‌هایی ناب برای زیستن است؛ اما به آینده و جامعه‌ای که شرایط امروز، آینده آن را می‌سازد، بدبین است. شکست در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، پس از آن همه جوش و خروش، تدریجاً امید شاعر را نسبت به آینده، بدل به ناامیدی می‌کند و به‌مرور آثار یأس و ناامیدی و طنز و گریه و شکست و بربادرفتگی در شعر او پیدا می‌شود. با نیم‌رخ از خیام و حافظ، رندی اندوهگین با شعری اندوهناک، صید لحظه‌ها را مترصد است تا با مستی از پوچی و بیهودگی بگریزد و به دامن تاریخ معصوم و شکوهمند ایران سر بگذارد (حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۵).

در شعر «چاووشی» روایت دوگانه است. درواقع شاعر به جای اول شخص، سوم شخص را انتخاب کرده است، ولی خواننده درمی یابد که «خود شاعر» شخصیت شعر است که توصیف می شود. به بیان دیگر، به جای «گرفتم کوله بارِ زادِ ره بر دوش» گفته است: «گرفته...»، اما در بند سوم شعر ناگهان می گوید: «من اینجا بس دلم تنگ است». و بدین سان روایت به اول شخص کشانده می شود. در سراسر شعر «او-من» یکی هستند که سرخوردگی و ناامیدی اش توصیف می شود. به نظر می رسد این ترفند در پی این دریافت ایجاد شده است که شاعر خود را با توصیف «او»، نماد ایرانی سرخورده و تنها و رها، از آوارگان در دنیای امروز، دانسته است و به پناهگاهی که می رود سرکوفته برمی گردد. او فقط رفتن و رفتن (بی انتها و مقصد) را پیش می گیرد. حتی تاریخ کهن و باشکوه نیز پناهش نمی دهد. شعر در فروردین ۱۳۳۵ سروده شده است و مشخص است که تحت تأثیر جو تاریک و وحشتناک ایجادشده پس از بازنگری حکومت، پس از کودتاست. مخاطب شاعر نیز «تو» است؛ خواننده یا هر کسی که با شاعر همدلی می کند که البته هر کسی نمی تواند باشد. صورت امری گزاره در آغاز هر بند، با فعل «بیا»، نشان از امر مطلق به فرمان پذیری بی اراده نیست؛ بلکه شاعر با لحن و بیانی عاطفی قصد مجاب کردن «او» (تو) را دارد که گاهی خود شاعر هم هست. درواقع شاعر پیش از هر کس دارد به خودش هشدار می دهد:

بیا تا راه بسپاریم

به سوی سبزه زارانی که نه کس کشته، نذروده...

(اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۹۹)

به نوعی مخاطب، خود شاعر است. یعنی او دارد به خودش هشدار می دهد. علاوه بر شیوه روایت، مضامین جذاب و تقابل کهن و نو و سرگردانی ناشی از تعلیقی که بیانگر شاعر است، شعر را بدل به نمونه ای موفق، در نشان دادن روحیات و نیت شاعر کرده است؛ آونگان بودگی، هیچ جا پناه جستن، رفت و آمد بی فایده و خسته کننده، دایم تقلای سفر و حرکت و هرگز به مقصد و مقصود نرسیدن.

تصاویری که اخوان ثالث در شعر «چاووشی» به کار می برد، غالباً تقابلی هستند. خوبی و زیبایی در برابر بدی و انحطاط و ضعف و ناتوانی. البته خوبی و زیبایی که در حد آرزو باقی می ماند و چون سرابی، رسیدن به آن ها دشوار است. سرخوردگی اخوان ثالث پس از کودتا او را به سوی عمق دادن به ذهنیت ها و افکاری سوق می دهد که البته به صورت نسبی از جوانی و آغاز شاعری در وجودش ریشه داشته اند. آرزوهای برنیامده مثل رویایی دست نیافتنی می شوند و به مرور بدل به ویژگی اصلی فکری اش می گردند.

در این شعر، منفیت و ملال در وجود شاعر جای گیر می‌شود و احساس پیری و ناتوانی و بی‌نشاطی را در وجودش بر جای می‌گذارد. هر چند با لحنی حماسی و پرخاشگرانه سخن بگوید، شکنندگی و زودرنجی‌اش آشکارتر می‌شود. این که «من» در شعرش بدل به «ما» و بعضاً «او» می‌شود، ناشی از تلقی او از کنش اجتماعی است. به جز در غزل‌هایش، «من» بیانگر «من ایرانی» یا «مای ایرانی» است و آن جا نیز که «او» نهاد است، خود اخوان ثالث در لباس ایرانی مقبول و سرخورده در تکاپوی تغییر ناممکن سر بر می‌آورد:

بسان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند،  
گرفته کولبارِ زاده بردوش،  
(همان: ۹۴)

«او» که «به‌سان رهنوردانی... گرفته کولبار...» در بند سوم بدل به «من» می‌شود بدون این که زاویه دید تغییر کرده باشد. یعنی همچنان رهنورد توصیف می‌شود:

من اینجا بس دلم تنگ است  
و هر سازی که می‌بینم بدآهنگ‌ست.  
بیا ره توشه برداریم،  
قدم در راه بی‌برگشت بگذاریم؛  
ببینیم آسمانِ «هر کجا» آیا همین رنگ‌ست؟  
(همان: ۹۵)

در مجموع، اخوان ثالث در شعر چاووشی، مثل بسیاری از اشعار روایی و غیرروایی‌اش، خود را که نمود و نماد ایرانی سرخورده است با ضمائر گوناگون توصیف می‌کند. در این شکست و ناتوانی و محکوم‌بودن به رنج و سرانجام به دلخوشی نرسیدن، شاعر می‌خواهد هر مسیری را امتحان کند؛ اما دل شکسته و ناامید باز می‌گردد که سرنوشت او چنین بوده است. نه تنها آینده‌ای ندارد، بلکه تاریخ گذشته‌اش نیز ثابت می‌کند که برای رنج بیهوده و مورد جفا قرار گرفتن، خلق شده است. در یک مسیر پرپیچ‌وخم از گذشته‌ای که به یاد می‌آورد تا حالا و تا همیشه، سرنوشت سرخوردگی‌اش ناشی از تقلاهای بی‌فایده و ستم‌دیدی بوده است:

کجا؟ هر جا که اینجا نیست.  
من اینجا از نوازش نیز چون آزار، ترسانم.  
ز سیلی‌زن، ز سیلی‌خور،  
وزین تصویر بر دیوار ترسانم.  
در این تصویر،  
عُمر با سوطِ بی‌رحم خشایر شا

زند دیوانه وار، اما نه بر دریا؛  
به گرده من، به رگ های فسرده من  
به زنده تو، به مرده من.

(همان: ۹۹)

### ۳-۶. زمستان

شعر «زمستان»، نه تنها معروف ترین شعر از مجموعه ای به همین نام است، بلکه بسیاری مهدی اخوان ثالث را با این شعر می شناسند؛ شعری که دو سال پس از کودتا سروده شد. این شعر فضای اجتماعی کشوری را ترسیم می کند که محیطش تنگ و خاموش است، آزادی قلم و بیان در آن نیست، آرمان های آزادی خواهانش نابود شده است و در یک کلام، شرایطش از هر نظر نامساعد است (یوسفی، ۱۳۸۸: ۷۳۵).

زمستان که در ادب فارسی در برابر بهار، نماد سردی و بی مهری و انجماد است، در شعر معاصر نیز به عنوان نماد شرایط سخت، زیر سلطه حکومت سخت گیر، در نظر گرفته شده است. شاید بخشی از این نماد یافتگی، مرهون شعر زمستان اخوان ثالث باشد. شکی نیست که اخوان ثالث این شعر را برای بازنمایی و توصیف زمان خود سروده است. هنر شاعر از طریق تصاویر و صناعات لفظی و معنایی، به اثرگذاری شعر کمک کرده است. چنانکه حرف «س» که می تواند علامت «هیس» یا «هشدار» باشد، و نیز تداعی کننده سرما و زمستان در سراسر شعر است؛ به ویژه در بند اول، که واج آرایبی بسیار هنرمندانه ای نیز دارد.

نکته مهم در آغاز شعر این است که «سلام» با ایهام تبادر، طوری استفاده شده که اگر چه تداعی کننده شروع کلام با «سلام» است؛ اما بی پاسخ ماندن سلام را بیان می کند. شاعر با توصیفاتی زیبا، جامعه سرخورده و یخ زده و بی تحرک را نشان می دهد. بدین طریق حرف آخر را در اول شعر می زند، تا برسد به انفعال و سرخوردگی و حیرت زدگی و بی پاسخ ماندگی خودش؛ که البته خودش نیز نه فردی جداگانه، بلکه عین دیگر افراد جامعه است. تمام توصیف های شعر به شاعر و همگان برمی گردد؛ در واقع «من» و «تو» و هر کس یا همگان، منفعل و سردرگریان و یخ زده هستند و در معنا، همه جملات منفی اند و ایستایی و انجماد به حالات پدیده ها سرایت می کند:

نفس، کز گرمگاه سینه می آید برون، ابری شود تاریک.  
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت.  
نفس کاینست، پس دیگر چه داری چشم

ز چشمِ دوستان دور یا نزدیک؟  
 مسیحای جوانمرد من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین!  
 هوا بس ناجوانمردانه سردست... آی...  
 دمت گرم و سرت خوش باد!  
 سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای!  
 (اخوان ثالث، به نقل از حقوقی، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۰۲)

«دم گرمی» و «سرخوشی» فقط در یک جمله دعایی دیده می‌شود؛ برای «مسیحای جوانمرد» یا «ترسای پیر پیرهن چرکین»، که البته او نیز مشمول انفعال و انجماد می‌شود. درخواست شاعر بی‌پاسخ می‌ماند و حتی حرکتی و صدایی اگر هست در «صحبث سرما و دندان» است یا «لرزش میهمان سال و ماه» است.

اخوان ثالث منفیت و نیستی را تا بدان حد چیره می‌بیند که در یک توصیف متناقض‌گونه، مدعی می‌شود: «تگرگی نیست، مرگی نیست»، و به وجهی هنری، نماد منفی «تگرگ و مرگ» را نیز در سیطره مرگ و نیستی می‌بیند و این تصویر هنری کمیاب، نهایت تحکم و غالبیت پوچی را می‌رساند.

اخوان ثالث استاد به‌کاربردن صفات، با حس‌آمیزی و اغلب همسو و مترادف برای خلق تصویر است:

هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها پنهان؛  
 نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین؛  
 (همان: ۱۰۳)

بدین‌سان اوضاع احوال خود را که بیانگر وضع جامعه هم است، این‌گونه نشان می‌دهد. زمستان نمادین‌ترین شعر در بیان سرخوردگی و نارضایتی و استیصال و ناامیدی و انجماد روحی روشنفکران و تحصیل‌کردگان و دلبستگان به تحول در دهه سی و نهایتاً شکست ملی‌گرایان در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بوده است؛ به‌نحوی که بر بسیاری از طبقات اجتماعی و شئون زندگی مردم ایران تأثیر نهاده است. از جمله حوزه‌هایی که به‌شدت از کودتای ۲۸ مرداد تأثیر پذیرفت، ادبیات فارسی، به‌ویژه شعر بود. زیرا

شاعران، به عنوان طیفی از نخبگان و روشنفکران جامعه، در انتظار تحولی بنیادین در عرصه سیاسی کشور بودند و با ابزار شعر مردم را در جهت تحقق آن ترغیب می کردند، اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد، فضای جامعه کاملاً تغییر کرد و تمام امیدی که شاعران به بهبود اوضاع جامعه داشتند، به یأس و سرشکستگی تبدیل شد. این سرخوردگی در سروده های مربوط به آن دوره، انعکاس یافته است. مهدی اخوان ثالث از آن دست شاعرانی بود که با شور و اشتیاق فراوان در انتظار تغییر شرایط کشور، در جهت مثبت بود؛ اما پس از کودتا با شرایطی سخت روبه رو شد که هیچ گاه برایش قابل تصور نبود. سیطره جو اختناق و استبداد بر فضای سیاسی کشور، پس از کودتای ۲۸ مرداد، اخوان ثالث را نسبت به آرمان ها و اندیشه های ترقی جویانه اش سرخورده و مأیوس ساخت و شعر او را به عرصه ای برای اظهار این سرخوردگی و یأس مبدل ساخت. این موضوع با تأمل در شعرهایی که اخوان ثالث پس از کودتا سروده، قابل اثبات است. سروده های متعددی که اخوان ثالث در این راستا سروده، و در این پژوهش ۶ مورد: ۱. «آواز گرگ»، ۲. «اندوه»، ۳. «باغ من»، ۴. «برای دخترکم لاله و آقای مینا»، ۵. «چاووشی»، و ۶. «زمستان»، که همه به مجموعه زمستان تعلق دارد، تحلیل شد و معلوم گردید که در آن ها، اخوان ثالث بر خلاف دوره پیش از کودتا، به شاعری شکست خورده و منزوی، در عرصه آرمان های سیاسی و اجتماعی، تبدیل شده است.

## کتابنامه

۱. حسین پور چافی، علی (۱۳۹۰)، *جریان های شعری معاصر فارسی از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)*، تهران: امیرکبیر.
۲. حقوقی، محمد (۱۳۹۶)، *شعر زمان ما ۲ (اخوان ثالث)*، تهران: نگاه.
۳. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۹)، *شرح، تحلیل و تفسیر شعر نو فارسی: بررسی اشعار مهدی اخوان ثالث (م. امید)، احمد شاملو (ا. بامداد)، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، محمد زهری، محمود مشرف تهرانی (م. آزاد)، منوچهر آتشی، یدالله مفتون امینی، حمید مصدق، طاهره صفارزاده، اسماعیل خویی، محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)*، تهران: حروفیه / دانشگاه لرستان.
۴. شریفی، مهدی (۱۳۸۹)، *روان شناسی درد (بررسی زمینه دل تنگی در شعر هشت شاعر معاصر ایرانی)*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، تهران: سخن.
۶. صادقی، اسماعیل و آقاخانی بیژنی، محمود (۱۳۹۵)، *بوطقای شعر نو روایی معاصر (بر اساس شعرهای روایی پنج شاعر نامی معاصر: نیما یوشیج، اخوان ثالث، مصدق، کسرای و امین پور)*، شهرکرد: دانشگاه شهرکرد.
۷. عالی عباس آباد، یوسف (۱۳۹۱)، *جریان‌شناسی شعر معاصر*، تهران: سخن.
۸. منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد (۱۳۸۷)، *دیوان /شعار، به کوشش برات زنجانی*، تهران: دانشگاه تهران.
۹. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، *جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر فارسی نظم و نثر)*، تهران: جامی.
۱۰. یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۸)، *چشمه روشن: دیداری با شاعران*، تهران: علمی.

Research article  
Received: 09/29/2024  
Accepted: 10/06/2024  
pp. 23- 41



*Contemporary Iranian  
literature studies*  
Vol. 1, No. 2, Summer 2024

## **Analyzing the Results of the Disillusionment from the Coup D'état on August 19, 1953, in Mehdi Akhavan-Sales' Poems**

**Daruosh Tahmasebi joo<sup>1</sup>**  
**Ismail Sadeghi<sup>2</sup>**  
**Jahangir Safari<sup>3</sup>**

### **Abstract**

The coup d'état of August 19, 1953, was a significant historical event that had a profound and lasting impact on the mindset of elites, intellectuals, and other social classes in Iran. One of the contemporary intellectual poets who grasped the significance of the coup was Mehdi Akhavan-Sales. He held high hopes for the nationalists and their anti-monarchy stance, but after the nationalists were defeated during the coup, he became even more disillusioned than others. The aim of this study, which utilizes a descriptive-analytical method and draws data from documents and library sources, is to analyze the impact of the disillusionment resulting from the August 19, 1953 coup d'état on the poems of Mehdi Akhavan-Sales. To achieve this goal, poems from Mehdi Akhavan-Sales that were influenced by the coup have been identified and analyzed. Six poems from the collection "*The Winter (Zemestan)*" (1956) have been selected for analysis: "The Song of Quail (Avaz-e-Karak)", "Sorrow (Andooh)", "The Leafless Garden (Bagh-e-Bi Bargi)", "For My Little Daughter Laleh and Mr. Mina (Baray-e-Doxtarakam Laleh and Aghay-e-Mina)", "Heraldship (Chavooshi)", and "The Winter (Zemestan)". The analysis of these poems reveals that following the coup d'état on August 19, 1953, Mehdi Akhavan-Sales experienced extreme frustration. He expressed disappointment in the future and any potential positive changes, adopting a passive stance towards the political and social landscape.

### **Key words**

The Coup D'état of August 19, 1953, Contemporary Poetry, Mehdi Akhavan-Sales, Disillusionment and Despair.

---

1. M.A. of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Email: [daruosh557@gmail.com](mailto:daruosh557@gmail.com)

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author).

Email: [sadeghiesma@gmail.com](mailto:sadeghiesma@gmail.com)

3. Professor Persian Language and Literature, Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Email: [safari\\_706@yahoo.com](mailto:safari_706@yahoo.com)





مطالعات ادبیات معاصر ایران  
سال ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

صص. ۴۳-۵۵

## تحلیلی روان‌شناسانه بر داستان کوتاه «داش آکل» صادق هدایت

کبری فرجی آرپناهی<sup>۱</sup>

پرستو کریمی<sup>۲</sup>

### چکیده

ادبیات و روان‌شناسی دو حوزه، با اشتراکات بسیار است. اشتراکاتی که بر مبنای آن‌ها، شاخه‌ای از نقد ادبی، با نام «نقد روان‌شناسانه» (Psychological Criticism)، شکل گرفته‌است که متن را بر پایهٔ مسائل روان‌شناسی تحلیل می‌کند. این پژوهش، روشی توصیفی-تحلیلی دارد، و چون با اتکا به نقد روان‌شناسانه صورت می‌گیرد، دارای رویکردی میان‌رشته‌ای است. هدف آن بررسی و تحلیل اختلال یا اختلالات روانی موجود در رفتار «داش آکل»، شخصیت اصلی داستان کوتاه «داش آکل» صادق هدایت است. به همین منظور، در آن، ابتدا با استفاده از داده‌های دانش روان‌شناسی، اشاره‌ای کوتاه به مبحث اختلال روانی شده‌است و سپس شخصیت داش آکل از نظر اختلال یا اختلالات روانی، با توجه به کنش‌ها و واکنش‌هایی که در داستان دارد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که در داستان کوتاه داش آکل، شخصیت اصلی آن، در اثر یک ماجرای عاشقانه و ناکامی ناشی از آن، به اختلال افسردگی گرفتار می‌شود. این اختلال به‌مرور، در روان داش آکل شدت می‌گیرد و تمام زندگی او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. سرانجام نیز داش آکل بعد از هفت سال ابتلا به این اختلال، برای رهایی از آن، به نوعی خودکشی غیرمستقیم، دست می‌زند. بر مبنای نشانه‌ها و قرائنی که نویسنده با رویکردی انتقادی، در داستان گنجانده‌است، مسائل اجتماعی، نظیر باورهای غلطی که در میان مردم عرف شده، در شکل‌گیری اختلال افسردگی داش آکل نقشی مؤثر داشته‌است. علاوه بر اختلال افسردگی، اختلال مازوخیسم، با درجه‌ای ضعیف، نیز در شخصیت داش آکل مشاهده می‌شود.

### کلیدواژه‌ها

نقد روان‌شناسانه، اختلال روانی، داستان کوتاه «داش آکل» صادق هدایت.

۱. دانش‌آموختهٔ کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

رایانامه: [faraji.arpanahi@gmail.com](mailto:faraji.arpanahi@gmail.com)

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: [parastou\\_karimi@yahoo.com](mailto:parastou_karimi@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

ادبیات و روان‌شناسی پیوندها و اشتراکات بسیاری با هم دارد؛ آن‌گونه که «فروید» روانکاو برجسته اتریشی، نویسنده‌ها را بهترین روان‌شناسان دانسته‌است (یاوری، ۱۳۷۴: ۱۸). این گفته فروید نشان می‌دهد که متون ادبی عرصه‌ای برای ظهور مسائل مختلف روان‌شناسی است؛ زیرا آن‌چه که بر قلم نویسنده جاری می‌شود، خواه و ناخواه گوشه‌هایی از ذهن و ضمیر و زوایای پنهانی اندیشه او را نمایان می‌سازد. بر مبنای پیوندها و اشتراکاتی که میان دو حوزه ادبیات و روان‌شناسی وجود دارد، رویکردی از نقد ادبی، با عنوان «نقد روان‌شناسانه» پدید آمده‌است که متون ادبی و عناصر مرتبط با آن را از دیدگاه مسائل مختلف دانش روان‌شناسی می‌کاود (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۵۳).

در نمایی کلی ریشه مسائل و مشکلات روانی به دو صورت: ۱. آن‌هایی که ریشه فردی، و ۲. آن‌هایی که منشأ اجتماعی دارد، قابل دسته‌بندی است؛ چرا که هر فرد در کنار مسائلی که جنبه شخصی دارد، از مسائل مختلف مربوط به اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، تأثیر می‌پذیرد. به‌عنوان نمونه، وجود برخی عادات و فرهنگ‌های غلط اجتماعی یا مناسب‌نبودن بستر اجتماعی لازم برای شکوفایی استعدادهای فرد، می‌تواند عاملی مهم در شکل‌گیری اختلال روانی در او باشد. در عرصه ادبیات نیز، بروز مسائل روانی در متون ادبی، می‌تواند به دو شکل باشد. نخست مسائل روانی که ریشه فردی دارد و دوم، مسائل روانی که ریشه اجتماعی دارد. بنابراین، نویسنده‌ای که با مسائل و پیچیدگی‌های روان انسان و چگونگی تأثیرپذیری آن از اجتماع آشنا باشد، در ساخت و پردازش شخصیت‌های داستانی خود، موفق‌تر عمل خواهدکرد. بدیهی است اثر چنین نویسنده‌ای عرصه‌ای مناسب برای مطالعه مسائل روان‌شناسانه با منشأ فردی و اجتماعی است.

«صادق هدایت»، از نویسندگان موفق ادبیات داستانی ایران است که با بهره‌گیری از معلوماتش در علم روان‌شناسی و مردم‌شناسی، نقش عوامل اجتماعی و محیطی را در پردازش و به‌تصویرکشیدن جریان تحول و تطور شخصیت‌ها و قهرمانان داستان‌هایش، به‌دقت برجسته ساخته‌است. یکی از بهترین مجموعه داستان‌های صادق هدایت، «سه قطره خون» نام دارد که برای بار نخست، در سال ۱۳۱۱ خورشیدی، در تهران منتشر شد. این مجموعه داستان، دربردارنده

۱۱ داستان کوتاه است. سومین داستان این مجموعه، با عنوان «داش آکل»، از شاهکارهای داستان کوتاه ایرانی است. این داستان، روایتی از زندگی «داش آکل»، لوطی مشهور شیرازی است که خصلت‌های جوانمردانه‌اش او را محبوب مردم ضعیف و بی‌پناه شهر کرده‌است. در سوی مقابل این شخصیت، «کاکارستم» قرار دارد که فردی گردن‌کلفت و ناجوانمرد است و در کشمکش‌هایی که میان او و داش آکل روی داده‌است، بارها از دست داش آکل شکست خورده و همین موضوع، انگیزه انتقام از رقیب را در درون او به وجود آورده‌است.

در این داستان، «حاجی صمد»، از مالکان شیراز، می‌میرد و داش آکل را که قبلاً در سفر کازرون با هم آشنا شده‌اند، به‌عنوان وکیل و وصی خود قرار می‌دهد. داش آکل، به‌ناچار، این وصیت را می‌پذیرد و تمام تلاش خود را صرف رسیدگی به اموال حاجی صمد و امور زن و بچه‌های خردسال او می‌کند. داش آکل، در همان آغاز پذیرش مسئولیت، با دیدن چهره «مرجان»، دختر حاجی صمد، ناخواسته، دل به او می‌بازد، اما اظهار عشق به مرجان را بر خلاف آیین جوانمردی و عمل به وصیت حاجی صمد می‌داند. او در این مورد، بدون این‌که قضیه را با کسی در میان بگذارد، در درون خود، پیوسته درگیر این ماجرای عاشقانه است. پس از گذشت هفت سال، برای مرجان خواستگار می‌آید. داش آکل، به‌عنوان آخرین وظیفه خود، وسایل ازدواج مرجان را فراهم می‌کند و او را به خانه بخت می‌فرستد و از زیر بار مسئولیتی که حاجی صمد بر دوش او گذاشته‌است، بیرون می‌آید. همان شب ازدواج مرجان، داش آکل، به محله «سردزک»، میدانگاهی که سابقاً قرقگاه او بوده‌است، می‌رود. در این میان، کاکارستم پیدا می‌شود و میان آن دو نبردی تن‌به‌تن شکل می‌گیرد. در این مبارزه، کاکارستم، داش آکل را به‌صورتی کاری زخمی می‌کند. روز بعد «ولی‌خان»، پسر حاجی صمد، به عیادت داش آکل می‌رود. داش آکل طوطی‌اش را به‌عنوان تنها دارایی‌اش، به ولی‌خان می‌سپارد تا آن را به مرجان بدهد و سپس می‌میرد. این طوطی که در طول هفت سال، شاهد درددل‌های عاشقانه داش آکل بوده، آن‌ها را آموخته‌است. به همین دلیل، عصر همان روز، هنگامی که مرجان مشغول تماشای طوطی داش آکل است، طوطی با تکرار همان جملات عاشقانه، ماجرای عشق داش آکل به مرجان را برملا می‌سازد.

در داستان داش آکل، شخصیت اصلی، تحت تأثیر مسائل شخصی و اجتماعی به‌نوعی روان‌رنجوری گرفتار می‌آید. در این مقاله شخصیت داش آکل، قهرمان و شخصیت اصلی داستان کوتاه «داش آکل» از دیدگاه اختلال یا اختلالات روانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱-۱. بیان مسئله

نویسنده برای پرداختن به هر مقوله، باید مطالعه و شناخت لازم را داشته باشد تا بتواند اثری ارزشمند پدید آورد. از جمله این مقولات «شخصیت» است. لازم است هر نویسنده در زمینه شخصیت و شخصیت‌پردازی و توفیق در این زمینه، با مسائل مربوط به شخصیت‌شناسی آشنا و به آن‌ها آگاه باشد. شخصیت‌های متن ادبی، اگر زوایای پیدا و پنهان داشته باشند، خواننده را در تشخیص علل و انگیزه‌های کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت‌ها و نیز درک تفاوت‌های میان شخصیت‌های به‌هنگار و نابه‌هنگار از هم، رهنمون می‌سازد. در داستان «داش آکل» صادق هدایت، کیفیت روانی شخصیت اصلی داستان، که در نتیجه پردازش قوی آن، از سوی نویسنده است، به‌گونه‌ای است که خواننده با جنبه‌هایی نهانی از روان او آشنا می‌شود. درواقع، داش آکل، به‌تبع عواملی فردی و اجتماعی، رفتارش به‌نوعی غیرطبیعی می‌شود که نشانه‌های آن در داستان، قابل شناسایی است. در این پژوهش شخصیت داش آکل، از نظر مشکلات و اختلالات روانی، بررسی می‌شود تا اختلال یا اختلالات موجود در رفتار او شناسایی و علل شکل‌گیری آن‌ها تحلیل شود. بنابراین پرسش‌های پژوهش شامل:

۱. آیا در شخصیت داش آکل، اختلال یا اختلالات روانی وجود دارد؟

۲. در صورت وجود اختلال یا اختلالات روانی، در شخصیت داش آکل، این اختلال یا اختلالات روانی از چه نوعی است؟

۳. در صورت وجود اختلال یا اختلالات روانی، در شخصیت داش آکل، علت یا علل شکل‌گیری آن چیست؟

## ۲-۱. روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌های آن، کدو کاو در اسناد و منابع کتابخانه‌ای است. جامعه آماری و حجم نمونه پژوهش، داستان کوتاه «داش آکل» از مجموعه داستان «سه قطره خون» صادق هدایت است. مبنای پژوهش کنونی، چاپ دوم کتاب «سه قطره خون» (۲۵۳۶)، نشر جاویدان، بوده است. با مطالعه داستان و تعمق در کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت اصلی آن، یعنی «داش آکل»، تلاش شده تا رفتارهای او، بر پایه مفروضات نقد روان‌شناسانه و آسیب‌شناسی روانی، تحلیل شود تا بدین طریق، اختلال یا اختلالات روانی موجود در شخصیت او شناسایی و علت‌یابی گردد.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

شخصیت‌شناسی دقیق داستان‌ها، علاوه بر توجه به مبانی و مفروضات ادبی، همچون عناصر روایی، به آگاهی از سایر حوزه‌های علمی، همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و... نیاز دارد. «نقد روان‌شناسانه»، رویکردی نقادانه است که در این زمینه کارایی بسیار دارد و شناخت ابعاد مختلفی از شخصیت‌های داستان را فراهم می‌سازد. اهمیت این پژوهش، در آنست که متکی به نقد روان‌شناسانه است، و می‌تواند جنبه‌هایی از شخصیت «داش آکل» را که محرک رفتارهای او در داستان است، شناسایی کند.

### ۲. پیشینه پژوهش

در میان مقالات متعددی که داستان کوتاه «داش آکل» صادق هدایت را نقد، بررسی و تحلیل کرده‌اند، تا کنون تنها یک مقاله به نقد روان‌شناسانه این داستان، اختصاص داشته‌است:

۱. رحیم نوری (۱۴۰۰)، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روانکاوانه شخصیت داش آکل در مجموعه سه قطره خون صادق هدایت»، نوشته و کوشیده‌است تا در آن، خوانشی فرویدی از این شخصیت داشته‌باشد. از نتایج این پژوهش آن‌که: داش آکل پیوسته درگیر تعارضات اخلاقی و روانی گوناگونی بوده و از نوعی درگیری ذهنی و روانی رنج برده‌است. به همین دلیل، تکانه زندگی و مرگ، نهاد و فرامن و ناخودآگاه و خودآگاه او دائماً در کشمکش بوده‌است.

پژوهش کنونی، اگر چه در موضوع، مشابه پژوهش بالا به نظر می‌آید، اما بر آنست تا به‌طور مشخص، اختلال یا اختلالات روانی شخصیت داش آکل را که به رفتارهای او جهت داده‌است، شناسایی و ریشه‌یابی نماید.

### ۳. بحث و بررسی

در گذشته، رفتارهای نابه‌هنجار افراد و آسیب‌های روانی انسان‌ها را به نیروهای جادویی و ماوراءطبیعی مانند دیو، شیطان، ارواح و نظایر آن نسبت می‌دادند. مطابق چنین تشخیصی، برای درمان فرد مبتلا می‌کوشیدند تا این نیروهای جادویی و ماوراءطبیعی را از وجود شخص بیرون برانند. این شکل درمان با شکنجه فرد همراه بود (نک: آزاد، ۱۳۷۴: ۴). اما در قرون اخیر، با

پیدایش دانش روان‌شناسی، به‌عنوان یک علم نظام‌مند و نظریه‌محور، و پیشرفت آن، رفتارهای غیرعادی افراد توجیه علمی پیدا کرد و برای درمان آن‌ها روش‌هایی علمی و منطقی جایگزین شد.

به‌زعم روان‌شناسان، افراد معمولاً در صورت دست‌نیافتن به اهداف مهم زندگی خود، شکست می‌خورند و اگر بعد از مدتی توانایی کنارآمدن با عواقب آن را نداشته‌باشند، ممکن است افسرده شوند. «سلیگمن»، در مطالعات خود به رابطه میان درماندگی آموخته‌شده و افسردگی دست یافت. او، با درنظرگرفتن این‌که عمده‌ترین نشانه افسردگی، احساس ناتوانی در کنترل کردن رویدادهای زندگی فرد است، افسردگی را اوج بدبینی نامید. در نظر سلیگمن، افرادی که شدیداً افسرده‌اند؛ خود را درمانده می‌بینند و معتقدند کوشش در انجام هر کار فایده‌ی کمی دارد. زیرا آن‌ها انتظار ندارند که چیزی به نفعشان تمام شود (شولتز و شولتز، ۱۳۸۱: ۵۰۴). همه افراد هنگامی که در انجام‌دادن کاری ناکام می‌شوند یا زمانی که رویدادها و حوادث بیرونی مانع موفقیتشان می‌شود؛ گاهی دچار احساس درماندگی می‌شوند. ممکن است خشونت و ناراحتی حاصل از احساس درماندگی کوتاه‌مدت و گذرا باشد و به‌زودی برطرف شود. اما در مواقعی برای بعضی از افراد به این شکل نخواهدبود و افسردگی آن‌ها ممکن است زمانی طولانی ادامه داشته‌باشد و انگیزه خود را برای تلاش کردن و زندگی کردن از دست بدهند. افرادی که به «اختلال شخصیت افسرده» دچار می‌شوند، صفات مادام‌العمری در طیف افسردگی در رفتارشان به وجود می‌آید. این‌گونه افراد دارای شخصیتی بدبین، بی‌لذت، وظیفه‌شناس، مرددبه‌خود و به‌نحوی مزمن، ناشاد می‌شوند (همان: ۵۲۵). متخصصان حوزه روان‌شناسی افسردگی را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند و برای هر یک نشانه‌هایی نیز ذکر کرده‌اند (شاملو، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

در داستان «داش آکل»، شخصیت اصلی داستان، بنا به دلایلی، به دو نوع اختلال افسردگی و مازوخیسم دچار می‌شود که نوع نخست، در این داستان، نمودی پررنگ‌تر دارد. در ادامه پژوهش این اختلال‌ها و عوامل آن‌ها، در شخصیت داش آکل، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

### ۳-۱. تحلیل اختلال‌های روانی در شخصیت «داش آکل»

شخصیت مورد تحلیل در داستان «داش آکل»، شخصیت «داش آکل» است. او برای این‌که بتواند عشق «مرجان» را در وجودش پاک کند، خود را به‌صورت روزانه، مشغول رسیدگی به امور زندگی

و خانواده «حاجی صمد» می‌کند؛ اما عشق مرجان از او دور نمی‌شد. درواقع، عشق احساسی است که در زندگی هر انسانی می‌تواند اتفاق بیفتد. داش‌آکل نیز مانند دیگر انسان‌ها به عشق مرجان گرفتار می‌شود. تبعات این عشق نافرجام، با بروز اختلال افسردگی در شخصیت داش‌آکل همراه است. زیرا افسردگی طبیعی و متعادل در انسان، واکنشی است نسبت به یک عامل بیرونی که فرد از آن آگاه است و با محرومیت از آن چیز، به اختلال افسردگی دچار می‌شود. «در اختلال نوروز افسردگی نیز، غالباً عامل محروم‌کننده بیرونی، مانند ازدست‌دادن یکی از نزدیکان، یا شکست در امور زندگی، شغلی و امثال آن دیده می‌شود» (همان: ۱۵۰). داش‌آکل، به دلیل ازدست‌دادن مرجان، به این نوع از افسردگی دچار می‌شود. نموده‌های این نوع افسردگی در شخصیت داش‌آکل، در بخش‌هایی از داستان به‌وضوح قابل‌مشاهده است. از جمله آن‌که در داستان می‌خوانیم: داش‌آکل «زیر لب با خودش حرف می‌زد و باقی روز را هم برای این‌که فکر عشق را در خودش بکشد، به دوندگی و رسیدگی به کارهای حاجی می‌گذرانید» (هدایت، ۲۵۳۶: ۴۸). همچنین در جایی دیگر از داستان آمده‌است: «داش‌آکل لبخند افسرده‌ای زد... از خانه بیرون آمد. تنگ غروب بود. تنش گرم و فکرش پریشان بود و سرش درد می‌کرد» (همان: ۵۰). نویسنده در این بند، از ترکیب وصفی «لبخند افسرده» استفاده کرده‌است. این کاربردی بسیار آگاهانه و هوشمندانه است و می‌تواند نشانگر آگاهی نویسنده از مسائل روان‌شناسی باشد؛ زیرا نویسنده بزرگی چون هدایت نمی‌تواند از علم روان‌شناسی یکسره بی‌اطلاع باشد. از آن‌جا که ادبیات و روان‌شناسی، هر دو با انسان سروکار دارند، پس نویسنده نیز می‌تواند مانند روان‌شناس نسبت به شخصیت‌شناسی آگاهی داشته‌باشد. بی‌شک هدایت نیز از این ویژگی بی‌بهره نبوده‌است. آن‌گونه که در بیت زیر، بار دیگر، هدایت، بسیار آگاهانه و زیرکانه افسرده‌شدن داش‌آکل را با عنوان دیوانه‌شدن او که از زبان شخصیت داش‌آکل بیان می‌شود، در متن داستان مطرح می‌کند: «[داش‌آکل] آهنگ دیگری به بیاد آورد، کمی بلندتر خواند: دلم دیوانه شد، ای عاقلان آرید زنجیری/ که نبود چاره دیوانه جز زنجیر تدبیری» (همان: ۵۱).

در این‌جا نویسنده واژه «دیوانه» را عمداً به کار برده‌است؛ زیرا در گذشته، به افرادی که دچار اختلالی در رفتار می‌شدند، دیوانه می‌گفتند، و با آن‌ها «با غل و زنجیر برخورد می‌شد و آن‌ها را در نهادهای زندان‌گونه محبوس می‌کردند» (ضمیران، ۱۳۹۵: ۳۹). به همین دلیل داش‌آکل در ضمن این بیت، از اطرافیان می‌خواهد که برای رهایی از درد عشق، او را در غل و زنجیر کنند. او

این شعر را با لحنی ناامید و پر از غم و غصه می‌خواند، اما مثل این که حوصله‌اش سر برود یا فکرش جای دیگر باشد خاموش می‌شود و سکوت می‌کند (نک: هدایت، ۲۵۳۶: ۵۱).

اطلاق عنوان دیوانه، به افرادی که مبتلا به اختلال رفتاری بوده‌اند، در ادبیات سنتی ایران، به‌وفور دیده می‌شود. انتخاب این بیت از سوی نویسنده، ما را متوجه این نکته می‌کند که نویسنده متأثر از قدما، از شخصیت بیمار و مبتلا به افسردگی داش آکل، با عنوان دیوانه یاد کرده‌است. و نیز متأثر از روشی که برای درمان دیوانگان در گذشته به کار می‌رفته‌است، چاره دیوانگی این شخصیت را در به‌زنجیر کشیدن او می‌داند. روشی که «فوکو»، به‌خوبی به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: در گذشته به افرادی که از لحاظ روحی برای مدتی رنجیده‌خاطر و اندوهگین می‌شدند و کنترل خود را از دست می‌دادند، دیوانه می‌گفتند و آن‌ها را با غل و زنجیر می‌بستند. اما بعدها، این افراد را افسرده نامیدند و در بیمارستان‌های روان‌پزشکی تحت درمان قرار می‌دادند (ضمیران، ۱۳۹۵: ۷۶).

در قسمتی از متن داستان، نویسنده درباره داش آکلی که به عشق مرجان دچار شده‌است، این‌گونه می‌گوید:

دیگر حنای داش آکل پیش کسی رنگ نداشت و برایش تره هم خرد نمی‌کردند. هر جا که وارد می‌شد در گوشی با هم پیچ می‌کردند و او را دست می‌انداختند. داش آکل از گوشه و کنار این حرف‌ها را می‌شنید ولی به روی خودش نمی‌آورد و اهمیتی نمی‌داد، چون عشق مرجان به‌طوری در رگ و پی او ریشه دوانیده بود که فکر و ذکری جز او نداشت (هدایت، ۲۵۳۶: ۴۶).

از لابه‌لای این سطور، این‌گونه برمی‌آید که داش آکل، پس از ابتلا به عشق مرجان، اعتبار دیرینه خود را از دست می‌دهد و مورد تمسخر مردم قرار می‌گیرد. این مردم به داش آکل، به چشم یک دیوانه نگاه می‌کنند و او را مورد استهزا قرار می‌دهند؛ چون از نظر آن‌ها شخص افسرده، دیوانه است. هدایت از خنده و ریشخندهای مردم، مخاطب را به این سو راهنمایی می‌کند که ذهن و روان داش آکل مختل شده و او به اختلال افسردگی مبتلا شده‌است. او با ذکر این علایم نشان می‌دهد اختلال افسردگی به اندازه‌ای در شخصیت داش آکل شدید بوده‌است که تمام افرادی که او را مشاهده می‌کرده‌اند، متوجه این اختلال در رفتارهای او می‌شده‌اند.

در بخش دیگری از داستان آمده‌است:

هوا تاریک شده بود که داش آکل دم محله سردزک رسید. این جا همان میدانگاهی بود که پیش تر، وقتی دل و دماغ داشت، آن جا را قرق می کرد و هیچ کس جرأت نمی کرد جلو بیاید. بدون اراده رفت روی سکوی سنگی جلو در خانه ای نشست، چپش را درآورد، چاق کرد، آهسته می کشید. به نظرش آمد که این جا نسبت به پیش خراب تر شده، مردم به چشم او عوض شده بودند، همان طوری که خود او شکسته و عوض شده بود. چشمش سیاهی می رفت، سرش درد می کرد (همان: ۵۱).

این سطرها نشانه دیگری از افسرده شدن داش آکل است؛ زیرا او دیگر آن داش آکل پُر قدرت و بانگیزه گذشته نیست. او به فردی ضعیف و بی انگیزه و بی رمق تبدیل شده است که انگیزه ای به زندگی ندارد. بی میلی و بی انگیزگی نسبت به زندگی، از نشانه های افراد افسرده است و این بی میلی و بی انگیزگی ممکن است از زبان فرد شنیده شود یا در رفتار او نمود بیابد (شاملو، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

داش آکل هنگامی برای آخرین بار به نبرد با «کاکارستم» می پردازد که دورانی طولانی (۷ ساله) از افسردگی را پشت سر گذاشته و بهبود نیافته است. او بهبودی خود را در فراموش کردن عشق مرجان می داند. اما از آن جایی که نتوانسته است عشق دیرینه خود را فراموش کند، تنها راه رهایی از عشقی را که گریبان گیرش شده است، در این می داند که به زندگی خود پایان دهد. درواقع، نبرد او با کاکارستم می تواند نشان دهنده استقبال داش آکل از مرگ و رهایی از عشق مرجان باشد. به نظر می رسد کسی که در تمام دعوها و درگیری ها با رقیبش پیروز بوده است، این بار، تعمداً شکست را انتخاب می کند. شکستی که با مرگ او خاتمه می یابد و در مقابل ناکامی او در عشق مرجان، برایش دردآور نیست:

در میان کشمکش سر داش آکل به سختی روی سنگ فرش خورد، نزدیک بود که از حال برود. کاکارستم هم، اگر چه به قصد جان می زد ولی تاب مقاومتش تمام شده بود، اما در همین وقت، چشمش به قمه داش آکل افتاد که در دسترس او واقع شده بود، با همه زور و توانایی خودش آن را از زمین بیرون کشید و به پهلوی داش آکل فروبرد. چنان فروکرد که دست های هردوشان از کار افتاد (هدایت، ۲۵۳۶: ۵۳).

داش آکل با دست کاکارستم اقدام به خودکشی می کند و به این نحو به زندگی خود پایان می دهد. این حرکت نیز نوعی خودکشی است. در این داستان «درگیری با مرگ و انتخاب خودکشی به جای زیستن به خوبی مشهود است» (گلشیری، ۱۳۸۷: جلد ۲: ۶۶۳). مرگ داش آکل به دست کسی که هرگز از او شکست نخورده است، برای خواننده قابل انتظار نیست. این موضوع می تواند دربردارنده این نکته باشد که داش آکل به عنوان یک فرد افسرده، برای مرگ

خود و خودکشی به دست رقیب، برنامه‌ریزی کرده‌است. زیرا او نیز همانند دیگر افراد خودکشی‌کننده بر این باور بوده که چون در زندگی به اهداف و امیال خود نرسیده، زندگی برایش بی‌مفهوم است و مرگ بر آن برتری دارد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

داش آکل اگر چه با ضربه قمه کاکارستم کشته می‌شود، اما او مدت‌ها پیش‌تر، به لحاظ روحی، به وسیله عقاید غلط خود و جامعه‌ای که در آن زیسته‌بود، از پای درآمده‌بود. باورهای اجتماعی غلطی که داش آکل با آن‌ها بزرگ شده‌بود و خو گرفته‌بود. باوری که به او یاد داده‌بود ازدواج با مرجان کاری ناجوانمردانه است (نک: هدایت، ۲۵۳۶: ۴۷). نویسنده از این‌گونه مشکلات و باورهای اشتباه رایج در جامعه آگاه است، به همین دلیل سعی می‌کند در نوشتن متن داستان به موضوعات یا مشکلاتی بپردازد که در جامعه فراگیرترند یا به اصلاح نیاز دارند. شخصیت داش آکل، درواقع از جمله شخصیت‌هایی است که جریانی عاشقانه و باورهای غیرمنطقی جامعه، زندگی‌اش را دگرگون می‌کند:

نه، از مردانگی دور است... او چهارده سال دارد و من چهل سالم است... اما چه بکنم؟ این عشق مرا می‌کشد... مرجان... تو مرا کشتی... به که بگویم؟ مرجان... عشق تو مرا کشت...! اشک در چشمانش جمع و گیلان روی گیلان عرق می‌نوشید. آن وقت با سردرد همین طور که نشسته‌بود خوابش می‌برد (همان).

داش آکل در جریان این عشق نافرجام و تلخ، دچار مازوخیسمی خفیف نیز می‌شود؛ یعنی همان حالت عشقی که عاشق به خاطر معشوق خود را عذاب می‌دهد و از رنج کشیدن خود لذت می‌برد. او این رنج را به جان می‌خرد، چون تحمل این حجم از درد و رنج‌ها را جوانمردانه‌تر از ازدواج با مرجان می‌داند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله به تحلیل شخصیت «داش آکل»، قهرمان داستان «داش آکل» صادق هدایت، از منظر اختلال روانی پرداخته‌شد. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که داش آکل پس از این‌که عاشق مرجان می‌شود، به نوعی افسردگی دچار می‌شود؛ این افسردگی به‌مرور در او بیش‌تر می‌شود، به‌طوری که دیگر توانایی پنهان کردن آن را ندارد و همگان با مشاهده نشانه‌های آن در رفتار داش آکل، به وجودش پی می‌برند. در نهایت افسردگی داش آکل تنها با مرگ او پایان می‌یابد. به نظر

می‌رسد مرگ داش آکل در این داستان، نوعی مرگ عمدی در جهت رهایی از اختلال افسردگی باشد؛ زیرا او به دست کسی کشته می‌شود، که هرگز مغلوب او نبوده‌است.

نویسنده داستان داش آکل کوشیده‌است تا در کنار ترسیم ریشه‌های شخصی افسردگی داش آکل، به علل اجتماعی آن نیز اشاره کند. این علل مربوط به باورهای غلط اجتماعی است که بر مبنای آن‌ها داش آکل خود را از ازدواج با مرجان محروم می‌کند و در عوض این کار، هزینه‌ای سنگین را بر خود تحمیل می‌کند. هزینه‌ای که برابر با افسردگی هفت ساله ناشی از عشق مرجان و در نهایت نوعی خودکشی است که به دنبال دارد. طرح عوامل اجتماعی افسردگی داش آکل، از سوی نویسنده داستان، گواهی بر نگاه نقادانه هدایت به عادات اجتماعی غلطی است که به شخصیت افراد جامعه جهت می‌دهد.

به نظر می‌رسد داش آکل در این داستان، در کنار اختلال افسردگی، به اختلال مازوخیزم نیز، در سطحی پایین، مبتلا بوده‌است. زیرا او از ازدواج با مرجان خودداری می‌کند تا بنا به تصور خود، مرجان با شخصی غیر از او، با شرایطی بهتر، ازدواج کند. اما این تصمیم برای او همراه با تحمل دشواری‌های بسیاری است. بدین ترتیب داش آکل، به شرایطی سخت تن می‌دهد، تا در عوض مرجان شرایطی بهتر داشته‌باشد و از این بابت نوعی احساس خوشایند به داش آکل دست می‌دهد.

## کتابنامه

۱. آزاد، حسین (۱۳۷۴)، *آسیب‌شناسی روانی*، تهران: بعثت.
۲. شاملو، سعید (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی روانی*، تهران: رشد.
۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، *نقد/دبی*، تهران: میترا.
۴. شولتز، دوان پی و شولتز، الن سیدنی (۱۳۸۱)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
۵. ضمیران، محمد (۱۳۹۵)، *میشل فوکو: دانش و قدرت*، تهران: هرمس.
۶. کیانی، احمدرضا و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی کیفی عوامل خانوادگی دخیل در اقدام به خودکشی»، *تحقیقات علوم رفتاری*، س ۱۱، ش ۴، صص ۲۴۵-۲۵۱.

۷. گلشیری، هوشنگ (۱۳۸۷)، باغ در باغ، ج ۲، تهران: نیلوفر.

۸. هدایت، صادق (۲۵۳۶)، سه قطره خون، تهران: جاویدان.

۹. یآوری، حورا (۱۳۷۴). روانکاوی و ادبیات (دو متن، دو انسان، دو جهان: از بهرام گور تا راوی بوف کور)، تهران: تاریخ ایران.

Research article  
Received: 07/28/2024  
Accepted: 10/11/2024  
pp. 43- 55



*Contemporary Iranian  
literature studies*  
Vol. 1, No. 2, Summer 2024

## **A Psychological Analysis of the Short Story “Dāsh Ākol” by Sadegh Hedayat**

**Kobra Faraji Arpanahi<sup>1</sup>**  
**Parastou Karimi<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Literature and psychology share many similarities, leading to the development of a branch of literary criticism known as “Psychological Criticism”. This approach analyzes texts through a psychological lens, using a descriptive-analytical method. Due to its foundation in psychological criticism, this approach takes an interdisciplinary perspective. The aim of this research is to explore and analyze the psychological disorders present in the behavior of Dāsh Ākol, the main character in Sadegh Hedayat’s short story “Dāsh Ākol”. The analysis begins by providing a brief overview of mental disorders using psychological knowledge. Subsequently, Dāsh Ākol’s character is examined in terms of mental disorders, based on his actions and reactions throughout the story. The findings of the research reveal that Dāsh Ākol falls into depression as a result of a failed romantic relationship. This depression progressively worsens, impacting all aspects of Dāsh Ākol’s life. Ultimately, after seven years of suffering, he commits an indirect suicide in an attempt to escape his mental anguish. The story includes subtle hints that suggest societal issues, such as prevalent misconceptions, contribute to the development of Dāsh Ākol’s depressive disorder. Additionally, a mild form of masochism disorder is also observed in Dāsh Ākol’s personality.

### **Key words**

Psychological Criticism, Mental Disorder, Short Story “Dāsh Ākol” by Sadegh Hedayat.

---

1. M.A. of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Email: [faraji.arpanahi@gmail.com](mailto:faraji.arpanahi@gmail.com)

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author).

Email: [parastou\\_karimi@yahoo.com](mailto:parastou_karimi@yahoo.com)











**Publisher:**

**University of Isfahan**

**Cultural and Social  
Deputy**

**General Department of  
Cultural Affairs**

**Price:**

**Free**

*Contemporary Iranian literature studies*

(Scientific-specialized Quarterly)

Vol. 1, No. 2, Summer 2024

## Index of Articles

(1)

**Analyzing the Results of the  
Disillusionment from the Coup D'état on  
August 19, 1953, in Mehdi Akhavan-Sales'  
Poems**

Authors: Daruosh Tahmasebi joo, Ismail Sadeghi & Jahangir Safari

(pp. 23- 41)

(2)

**A Psychological Analysis of the Short Story  
“Dāsh Ākol” by Sadegh Hedayat**

Authors: Kobra Faraji Arpanahi & Parastou Karimi

(pp. 43- 55)

Email: [jcils.ui@gmail.com](mailto:jcils.ui@gmail.com)

Tel: 09165529942

